



آمار گویای همه چیز است

سیمونه:

هر حرکت سوارز

بوی گل می دهد صفحه ۷



فرمانده سنتکام:

سطح خشونت‌ها در افغانستان

همچنان بلند است

اطلاعات روز: جنرال مک کنزی، فرمانده سنتکام (ستاد فرماندهی مرکزی امریکا) می گوید که میزان خشونت‌ها در افغانستان هنوز هم خیلی بلند است...

صفحه ۲

بازداشت هسته‌ی مشترک داعش و حقانی؛

«طالبان در همسویی با این گروه‌ها

عملیات می‌کنند»

صفحه ۲

کابل‌نان؛

تلاش‌های حلزون‌وار برای سفر حج

صفحه ۳

ترس از انفجار و بیکاری

کارگران روزمزد کابلی چگونه

چرخ زندگی را می‌چرخانند؟



صفحه ۵

یادداشت روز

خشونت پولیس با شهروندان به ما چه گوید؟

در نهایت روشن شد که قربانیان تیراندازی پولیس بر معترضان در بهسود غیرنظامیان بوده‌اند. معلوم شد که پولیس برای سرکوب اعتراض مسالمت‌آمیز شهروندان به خشونت متوسل شده‌اند. بازهم لکه‌ی سیاهی بر دامن نیروهای امنیتی که مسئولیت‌شان تأمین امنیت شهروندان است. آنچه که چند روز پیش در بهسود اتفاق افتاد فراتر از یک خطای ساده‌ی نظامی است و در نوع خود پیشینه ندارد. چگونگی وقوع ماجرا از زبان شاهدان عینی و معترضان و نحوه‌ی برخورد پولیس بسیار نگران‌کننده است. براساس گفته‌های شاهدان عینی عصیت قومی در تراژیدیک شدن ماجرا نقش بسیار پررنگی داشته است. مورد دیگر چگونگی اطلاع‌رسانی وزارت داخله از رویداد بهسود است. اندکی پس از وقوع فاجعه در بهسود سخن‌گوی وزارت داخله به قربانیان انگ مسلح‌بودن و آشوبگر را زد. این نوع مواجهه با حادثه‌ای که هنوز روشن نیست، از آدرس رسمی وزارت داخله غیرحرفه‌ای است. بی‌پروایی نیروهای امنیتی به‌شمول پولیس افغانستان در حفظ جان...

۲



صفحه ۲

رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی از توقف مذاکرات از سوی طالبان خبر داد



صفحه ۲

چهار نفر در درگیری میان تفنگ‌داران غیرمسئول در تخار کشته شدند

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت تخار تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی درگیری میان تفنگ‌داران غیرمسئول در ولسوالی کلفگان این ولایت...

صفحه ۲

چهار محافظ خط آهن خواف - هرات در انفجار ماین جان باختند



صفحه ۲

گزارش

کلان‌ترین وعده‌های رییس‌جمهور که هرگز عملی نشده است

یکی از انتقادات بر رییس‌جمهور این است که وعده زیاد می‌دهد اما کم عمل می‌کند. اشرف غنی، رییس‌جمهور کشور از آغاز حکومت پیشین‌اش تاکنون وعده‌های بسیاری به مردم داده است اما بسیاری از این وعده‌های را عملی نکرده است. از نظر کسانی که در این گزارش با آن‌ها گفت‌وگو شده این کار رییس‌جمهور نوعی تلاش

گزارش

گزارش



شب‌نشینی‌ای که شیون شد روایت یک خانوادگی پکتیایی که نیروهای ویژه ارتش امریکا پنج عضو آن را یکجا کشتند

۲۲ دلو تولد نوید است. دومین نوه‌ی محمدداوود شرابزوی، یک فرمانده محلی پولیس در شهر گردیز پکتیا، دورادور مهمانخانه‌ی | صفحه ۴

۳

گزارش

مذاکرات سرد صلح، میدان گرم جنگ آیا فرصت صلح در حال از دست رفتن است؟

دور دوم مذاکرات صلح در دوحه عملاً متوقف شده است. گفته می‌شود گروه طالبان از میز مذاکرات فزاری است و حاضر نیست که با هیأت جمهوری اسلامی افغانستان گفت‌وگوهای صلح را ادامه دهد. به‌جای مذاکره، رهبران گروه طالبان سرگرم سفرهای منطقه‌ای‌شان به کشورهای جبهه مخالف امریکایی‌ها در منطقه‌اند. پس از سفر به روسیه و ایران، این بار به ترکمنستان سفر کرده‌اند. در طرف افغانستان، هیأت در دوحه است و مسئولان در کابل آمادگی جنگ را می‌گیرند. در نشست چهار روز پیش مسئولان اصلی امنیتی در کابل حرف از «سرکوب نظامی گروه طالبان» و «آمادگی کامل برای شروع فصل جنگ» بود. طرف سوم مذاکرات که امریکا است نیز این روزها سرگرم بررسی...

فروش ویژه

شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ با کتاب‌های کمک آموزشی هشت با
ویژه کودکان و مکاتب از صنف اول الی صنف شش

انتشارات کودکان؛ ناشر پیشرو در انتشار کتاب و مواد آموزشی برای کودکان و مکاتب

فروشگاه مرکزی: کابل، کارخانه ۴، چهارمیل بل سبز، مارکت تجاری «میل» مجتمع کدکستان منزل لول، انتشارات و فروشگاه کودکان

۷۷۹۹۲۱۵۸ | ۷۷۹۹۲۱۵۸ | ۷۷۹۹۲۱۵۸ | ۷۷۹۹۲۱۵۸ | ۷۷۹۹۲۱۵۸

ادرس نمایندگی های ولایات

نماینده‌ی ۱ مزار شریف: جاده زینت‌الوجه مانا ابراهیم (بزرگ مدرسه سلطانیه، بوستان فرهنگی ابق فرود) ۷۸۳۳۱۴۸۹۹ | ۷۷۸۸۱۸۰۰۰

نماینده‌ی ۲ مزار شریف: نمایشگاه بین‌المللی دامی کتاب سعادت، مقابل کتابفروشی بهمنی | ۷۷۹۹۰۰۹۲۹

نماینده‌ی ۱ هرات: جبرئیل، چهارده منری بلاد، زبوری سویر گولا، کتابسرای جعفری | ۷۸۸۷۸۶۶۷۶ | ۷۸۸۸۲۹۸۱۲

نماینده‌ی ۲ هرات: چوک گله، جنب کتابخانه جامع، انتشارات فاروقی | ۷۷۹۹۰۰۷۷۹۹ | ۷۷۹۹۰۰۷۷۹۹

نماینده‌ی ناسیان: بازار دایجان، جوار مارکت سبزی و میوه فروشی، کتابفروشی معرفت | ۷۷۹۹۰۰۰۳۰ | ۷۷۹۹۰۰۰۳۰



کتابخوان توانستن است

ادامه‌یادداشت‌روز

غیرنظامیان حتا در میدان جنگ قابل توجیه نیست چه رسد به این‌که پولیس بخواهد شهروندان را برای استفاده از حق شهروندی به گلوله ببندد. این بی‌پروایی از یک طرف نشان‌دهنده این است که حکومت افغانستان با صرف میلیون‌ها دالر در زمینه‌ی آموزش مسلکی نیروهای پولیس موفق نبوده است و هنوز این نیروها آموزش‌های لازم را برای تدابیر احتیاطی و اهمیت حفظ جان غیرنظامیان یاد نگرفته‌اند. از سوی دیگر این بی‌پروایی ریشه در برخورد ضعیف نهاد رهبری پولیس با مسأله‌ی بسیار حیاتی اصل «مجازات و مکافات» نسبت به رفتار افراد نیروهای امنیتی دارد. رویداد بهسود اولین موردی نیست که پولیس برای سرکوب اعتراضات به خشونت متوسل می‌شود. دست‌کم در هفت سال گذشته و از زمانی که رییس‌جمهور غنی در رأس کار است، پرونده‌ی حکومت در امر سرکوب اعتراضات قطور و سنگین است، اما هنوز شهروندان شاهد یک مورد برخورد جدی با عاملان اصلی سرکوب نبوده‌اند. در بخش توجه به مصونیت غیرنظامیان در میدان جنگ نیز حکومت افغانستان و نیروهای امنیتی کارنامه‌چندان درخشان ندارند. حکومت هرچند همواره گفته که مصونیت غیرنظامیان یکی از اولویتهای نیروهای دفاعی افغانستان است و از حق اعتراض شهروندان حمایت می‌کند، اما در عمل کمتر به آن توجه کرده است.

جدا از ابعاد تراژدیک رویداد بهسود، رفتار به‌شدت خشونت‌آمیز پولیس با معترضان به ما چه می‌گوید؟ مایکل ای. کالدر و جفری دی. دیلی در کتاب مرجع «اصول و ضوابط اخلاقی پولیس» می‌گویند: «یک مأمور پولیس مظهر آگاهانه و عامدانه‌ی اخلاق حکومت است. کنش‌های او تجسم عملی اصول اخلاقی حکومت است.» یکی از اتهام‌های جدی بر نهادهای هرم قدرت، به‌ویژه بر رییس‌جمهور غنی این بوده که نهادهای امنیتی را به ابزاری برای سرکوب معترضان و حتا جدال‌های سیاسی و تضعیف رقابیش استفاده می‌کند. رفتار متناقض رییس‌جمهور در برابر کسانی که متهم به اخلاف امنیت‌اند و سرکوب اعتراض‌ها با خشونت، مؤید یا دست‌کم ریشه‌ی اصلی این اتهام است. وقت پولیس بی‌مهبا معترضان را به گلوله می‌بندد، معنایش روحیه حذف چندصدایی و تحمیل هم‌نواپی در حکومت و ارگ و رفتن به‌سوی نظم استبدادی است. همین رفتارها است که در یک رده‌بندی تازه‌ی جهانی حکومت افغانستان در شاخص جهانی دموکراسی یک رژیم استبدادی شناخته شده است.

شهروندان افغانستان همواره مواجهه‌ی احترام‌آمیز و ستایش‌برانگیز به نهادها و نیروهای امنیتی کشور داشته‌اند و این نهادها و نیروها همواره در میان مردم از محبوبیت و حمایت برخوردار بوده‌اند. در واقع نیروهای امنیتی افغانستان، از مهم‌ترین سرمایه‌ها و دست‌آوردهای تمامیت کشور پس از سقوط طالبان است. اما رفتار غیرحرفه‌ای روابط عمومی رهبری نیروهای امنیتی و رفتار خشونت‌بار پولیس با شهروندان این وجاهت را مخدوش می‌کند. سقوط وجاهت و مشروعیت نیروهای امنیتی و تبدیل‌شدن این نیروها از حافظان تمامیت ارضی کشور و نگهبانان امنیت، جان و مال شهروندان به ابزاری برای سرکوب مردم دارای پیامدهای بسیار خطرناک است که کمترین آن پشت‌کردن مردم به نیروهای امنیتی است. لک‌های سیاهی که رفتار خودسرانه پولیس در بهسود بر دامن نیروهای امنیتی افغانستان افکنده تنها با برخورد جدی با عاملان اصلی این رویداد پاک‌شدنی است. حکومت باید نشان دهد که در این قضایا نقشی نداشته است. از رأس تا قاعده کسانی که در این حادثه دست دارند، باید شناسایی و مجازات شوند. طبیعی است که در این کار تنها فرمانده پولیس یک ولایت دست ندارد. به‌ویژه که انتباه اصلی این است که این افراد برای دست‌گیری عبدالغنی علی‌پور معروف به قومندان شمشیر به بهسود رفته بوده‌اند. در این صورت ریشه‌ی این فاجعه به لایه‌های بالاتری در ساختارهای امنیتی افغانستان می‌رسد و شک استفاده‌ی ابزاری از نیروهای امنیتی برای سرکوب و تحمیل هم‌نواپی را از سوی ارگ برمی‌انگیزد. حالا توپ در میدان نهادهای قضایی افغانستان به‌عنوان یک قوه مستقل است. انتظاری که وجود دارد این است که عدالت در مورد قربانیان رویداد بهسود به‌درستی تأمین شود.

اطلاعات روز: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌گوید که گروه طالبان مذاکرات صلح را در دوحه متوقف کرده و از مدتی به این طرف هیچ مذاکره‌ای صورت نگرفته است. آقای عبدالله که دیروز (سه‌شنبه، ۲۱ دلو) در نشست‌ی به مناسبت افتتاح کمیسیون رسانه‌ها و آگاهی عامه شورای عالی مصالحه‌ی ملی صحبت می‌کرد، گفت: «ما فعلا در موقعیتی قرار داریم که طرف مذاکره میز مذاکره را قطع کرده، اما مذاکره‌ای هم صورت نمی‌گیرد و مذاکره‌ای در جریان نیست.»

عبدالله ابراز امیدواری کرد که گروه طالبان به این وضعیت پایان داده و به میز مذاکره

حاضر شوند. او از قطر، امریکا و دیگر کشورهای تأثیرگذار در روند صلح افغانستان نیز خواست که طالبان را به ادامه‌ی مذاکره و حاضر شدن به میز مذاکره تشویق کنند. به گفته‌ی او، هیچ فیصله‌ای در پشت پرده صورت گرفته نمی‌تواند و طالبان هر خواستی که دارند روی میز مذاکره مطرح کنند.

رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی ادعای برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی گروه طالبان را که گفته‌اند هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت صلاحیت کامل برای مذاکره ندارد، رد کرد. او تأکید کرد که به هیأت مذاکره‌کننده صلاحیت کامل داده شده تا در مورد آجنداهای مطرح شده با طالبان رایزنی کند.

تفاهم‌نامه‌ی ساخت بند شاه‌توت بین کابل و دهلی امضا شد

اطلاعات روز: محمدحنیف اتمر وزیر خارجه‌ی افغانستان و ساپرامانیام جایشانکار وزیر خارجه‌ی هند در حضور رییس‌جمهور اشرف غنی و ناریندرا مودی نخست‌وزیر هند تفاهم‌نامه‌ی ساخت بند شاه‌توت در کابل را امضا کردند.

رییس‌جمهور غنی و نخست‌وزیر هند به‌گونه‌ی آنلاین در مراسم امضای این تفاهم‌نامه سخنرانی کردند. آقای غنی از دولت هند که بخشی از هزینه‌ی ساخت بند شاه‌توت را تمویل می‌کند، سپاسگزاری کرد. او همچنان گفت که بند شاه‌توت به منبع تأمین آب برای شهروندان کابل بدل خواهد شد.

نخست‌وزیر هند نیز در جریان صحبت‌هایش از افزایش خشونت‌ها در افغانستان ابراز نگرانی کرده، گفت که دهلی و کابل می‌خواهند هراس‌افکنی در منطقه پایان یابد. او خواهان آتش‌بس در افغانستان شد.

فرمانده سنتکام:

سطح خشونت‌ها در افغانستان همچنان بلند است

کنونی، در کنار حمایت از مأموریت حمایت قاطع به رهبری ناتو، به شدت بر عملیات ضد تروریسم نیز تمرکز خواهند کرد. او در عین حال تأکید کرده است که خروج نیروهای امریکایی از افغانستان باید مبتنی بر شرایط باشد.

پیشتر لیندزی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه امریکایی نیز در یک مصاحبه با شبکه‌ی خبری «سی‌بی‌اس» گفته بود که نیروهای این کشور در زمان پیش‌بینی شده در توافق‌نامه‌ی امریکا با طالبان، افغانستان را ترک نخواهند کرد.

بر نیروهای افغان ادامه می‌دهند. با وجود این‌که عمدتا از حمله به نیروهای ایالات متحده و ائتلاف خودداری کرده‌اند، سطح خشونت بسیار بالا است، بنابراین لازم است که مورد توجه قرار گیرد.»

جنرال مک کنزی علاوه کرده است که نگران اقدامات کنونی طالبان است. او افزوده است که سیاست جدید دولت امریکا زیر بررسی است و در آینده‌ی نزدیک راهی را در پیش خواهد گرفت.

او در بخشی از صحبت‌هایش گفته است که نیروهای امریکایی در افغانستان با سقف

اطلاعات روز: جنرال مک کنزی، فرمانده سنتکام (ستاد فرماندهی مرکزی امریکا) می‌گوید که میزان خشونت‌ها در افغانستان هنوز هم خیلی بلند است.

او در یک گفت‌وگوی آنلاین به میزبانی انستیتیوت خاور میانه گفته است که ایالات متحده‌ی امریکا اقدامات طالبان و همچنان توافق‌نامه‌ی دوحه را برای یافتن راهی برای پیشرفت در آینده‌ی نزدیک بررسی می‌کند. این جنرال امریکایی گفته است: «طالبان همچنان به خشونت شدید و قتل‌های هدفمند در سراسر کشور و حملات مکرر

رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی از توقف مذاکرات از سوی طالبان خبر داد

رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی در بخشی از صحبت‌هایش به افزایش خشونت‌ها در افغانستان نیز پرداخت. او گفت پیام این‌که اگر طرفی حاضر نیست مردم یک ماه، دو ماه و یا سه ماه در نبود جنگ و آتش راحت زندگی کنند، منفی است و این مفهوم را افاده می‌کند که باور به صلح وجود ندارد.

این اظهارات درحالی مطرح می‌شود که از چند هفته به این طرف هیچ نشست رسمی میان هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان در دوحه برگزار نشده است. از زمان آغاز دور دوم مذاکرات، تنها سه نشست رسمی میان دو طرف برگزار شده است.

بند شاه‌توت در منطقه‌ی لندر در ولسوالی چهارآسیاب کابل ساخته می‌شود. حدود ۲۸۶ میلیون دالر برای ساخت این بند هزینه پیش‌بینی شده است.

قرار است این بند ۹۲ متر ارتفاع و ۶۰ متر عرض دارد و قرار است در شش سال ساخته شود. با تکمیل کار ساخت این بند، برای دو میلیون نفر در کابل آب آشامیدنی تأمین می‌شود. در کنار آن، با ساخت این بند بیش از چهار هزار هکتار زمین زراعتی آبیاری شود.

همچنان گفته شده است که این بند ظرفیت ذخیره‌ی ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب را دارد که از آن دو تا پنج میگاوات برق نیز تولید شده می‌تواند.

بند شاه‌توت دومین پروژه بندسازی است که از سوی هندوستان تمویل می‌شود. هند پیش از این بند سلما را در هرات ساخته است.

آقای گراهام همچنان گفته بود: «من فکر می‌کنم ما در ماه می خارج نخواهیم شد. ما زمانی می‌رویم که شرایط مناسب فراهم شود. طالبان تخطی کرده‌اند. آن‌ها به تعهدات‌شان در توافق‌نامه عمل نکرده‌اند. بنابراین، من کاری را که آنتونی بلینکن و دولت بایدن انجام می‌دهند، تأیید می‌کنم.» به گفته‌ی این سناتور امریکایی، اگر امریکا خیلی زود و بدون فراهم شدن شرایط لازم خارج شود، داعش و القاعده دوباره نیرومند خواهند شد و وضعیت زنان نیز بسیار وخیم خواهد شد.

چهار نفر در درگیری میان تفنگ‌داران غیرمستول در تخار کشته شدند

سخن‌گوی فرماندهی پولیس تخار جزئیاتی بیشتر ارایه نکرد. ولایت تخار در شمال‌شرق کشور از ولایت‌های ناامن است که حضور و گشت‌وگذار افراد مسلح غیرمستول در این اواخر در بخشی‌هایی از این ولایت از جمله ولسوالی کلفگان در ۸۰ کیلومتری شهر تالقان، مرکز آن افزایش یافته است. در ۱۱ حمل سال جاری نیز در نتیجه‌ی درگیری میان دو فرد مسلح غیرمستول در این ولسوالی، سه غیرنظامی کشته شدند. ساکنان این ولسوالی در اعتراض به کشته‌شدن آنان، شاهراه بدخشان – تخار را به‌روزی رفت‌وآمد بستند.

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت تخار تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی درگیری میان تفنگ‌داران غیرمستول در ولسوالی کلفگان این ولایت، چهار نفر کشته شده‌اند. خلیل اسیر، سخن‌گوی فرماندهی پولیس تخار به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد قبل از چاشت دیروز (سه‌شنبه، ۲۱ دلو) در روستای «زیر شیخ» ولسوالی کلفگان رخ داده است. به گفته‌ی آقای اسیر، افراد کشته‌شده همه از یک طرف درگیری بوده‌اند. او تأکید کرد که هم‌اکنون جنگ میان دو طرف خاموش شده و تفنگ‌داران غیرمستول از ساحه فرار کرده‌اند.

بازداشت هسته‌ی مشترک داعش و حقانی؛ «طالبان در همسویی با این گروه‌ها عملیات می‌کنند»

اعلامیه‌های «مجمعول المسئولیت» آن‌ها را به عهده می‌گیرد. این نهاد این اقدام طالبان، شبکه‌ی حقانی و داعش را تأکتیک «پوشش نقاب» خوانده و تأکید کرده است که این تأکتیک به هدف انحراف افکار عمومی توسط آنان استفاده می‌شود. با این حال، ریاست عمومی امنیت ملی گفته است که به شهروندان اطمینان می‌دهد که این هسته‌ها را شناسایی کرده و هیچ هسته و گروه تروریستی از تیررس نیروهای این ریاست مصئون نیست.

روی‌دست بگیرند. در خبرنامه تأکید شده است که با بازداشت آنان، این پلان‌شان خنثا شده است. از سویی هم، ریاست عمومی امنیت ملی گفته است که براساس ارزیابی‌های این نهاد، گروه طالبان، شبکه‌ی حقانی و گروه داعش در یک همسویی تأکتیکی، عملیات‌شان را انجام می‌دهند.

این ریاست توضیح داده است که در این همسویی، گروه طالبان و شبکه‌ی حقانی عامل اصلی تحرکات تروریستی و به‌خصوص در بزرگ‌شهرها اند و داعش هم با نشر

مشترک شبکه‌ی حقانی و داعش، مسئول ترور چندین نفر از نیروهای امنیتی بوده‌اند. علاوه بر آن، ریاست عمومی امنیت ملی گفته است که این هسته «جنایت بی‌شماری علیه شهروندان کشور» انجام داده و از طریق اختطاف آنان، منابع مالی و عایداتی خود را افزایش می‌داده است.

همچنان این ریاست تأکید کرده است که اعضای این هسته‌ی حقانی و داعش در تلاش بودند تا ترور وسیع نیروهای دولتی، اختطاف شهروندان و فعالان کشور را

اطلاعات روز: ریاست عمومی امنیت ملی کشور می‌گوید که در نتیجه‌ی یک عملیات ویژه‌ی نیروهای این ریاست، یک هسته‌ی مشترک شبکه‌ی حقانی و گروه داعش بازداشت شده است.

ریاست عمومی امنیت ملی دیروز (سه‌شنبه، ۲۱ دلو) با نشر خبرنامه‌ای گفته است که این هسته متشکل از اعضای ارشد شبکه‌ی حقانی و گروه داعش بوده و مسئولیت انتقال مواد انفجاری، ترورهای هدفمند و قتل‌های زنجیره‌ای را به عهده داشته است. به نقل از خبرنامه، اعضای این هسته‌ی

چهار محافظ خط آهن خواف – هرات در انفجار ماین جان باختند

در جریان سال جاری خورشیدی، این دومین باری است که نیروهای محافظت عامه خط آهن هرات – خواف در هرات هدف قرار می‌گیرند.

هم‌اکنون کارهای زیرساختی در قطعه چهارم خط آهن هرات – خواف در هرات جریان دارد. پیشتر قطعه سوم این خط آهن با کمک مالی ایران در داخل افغانستان افتتاح شد. خط آهن هرات – خواف، در چهار قطعه به طول ۱۹۱ کیلومتر ساخته می‌شود. ۷۷ کیلومتر این خط آهن در داخل خاک ایران و ۱۱۴ کیلومتر آن در داخل خاک افغانستان است.

اطلاعات روز – هرات: سید عبدالوحد قتالی، والی هرات می‌گوید که به اثر برخورد موتر حامل نیروهای محافظت عامه خط آهن هرات – خواف با ماین کنارجاده‌ای، چهار تن از این نیروها کشته و دو نفر دیگر زخمی شده‌اند.

آقای قتالی در یک نشست خبری در هرات گفت که این رویداد ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه‌ی پیش از ظهر دیروز (سه‌شنبه، ۲۱ دلو) در منطقه‌ی «روزنگ» ولسوالی غوریان رخ داده است.

به گفته‌ی او، اجساد کشته‌شدگان این رویداد به شفاخانه حوزوی هرات منتقل شده‌اند.

عباس عارفی
گزارشگر

مذاکرات سرد صلح، میدان گرم جنگ

آیا فرصت صلح در حال از دست رفتن است؟



نشست خبری مسئولان امنیتی و اعلام آمادگی برای سرکوب نظامی طالبان

حکومت افغانستان برنامه‌ی مشخص ندارد. این که می‌گویند تصمیم بر سرکوب نظامی طالبان دارند هم آن چنان تصمیم نیست. اگر واقعا چنین تصمیم داشته باشند که درست است. قدرت در جنگ تعیین کننده قدرت در عرصه سیاست و گفت‌وگوهای صلح است.»

لطیف آرش، نویسنده و کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با اطلاعات روز، در مورد توان سرکوب نظامی گروه طالبان توسط حکومت می‌گوید جنگ جاری افغانستان در طول این ۲۰ سال، «جنگ فرسایشی» بوده که نه طالبان توان سقوط حکومت را داشته و نه حکومت توان سرکوب نظامی و برچیدن بساط طالبان را داشته است. بنابراین، اگر حکومت افغانستان بر ادامه جنگ و سرکوب نظامی طالبان در شرایطی که فرصت صلح فراهم شده، پافشاری کند بدون شک جنگ شدت خواهد گرفت و وارد مرحله‌ی تازه‌ی خواهد شد. «آمریکا ۳ صد هزار نیروی نظامی در ۲۰ گذشته نتوانست طالبان را سرکوب کند. حالا که نیروهای امریکایی در حال خارج شدن به‌طور کامل است، حکومت به تنهایی نمی‌تواند طالبان را سرکوب کند.»

عمر صمد درباره توان و اراده سرکوب نظامی طالبان می‌گوید حکومت آقای غنی با تمام امکاناتی که در اختیارش قرار گرفته، رهبری نظامی را بر عهده دارد که از درون «فاقد اجماع» است. حکومت رییس‌جمهور غنی «با استفاده از نیروهای ویژه و قوای هوایی برای سرکوب طالبان، بیشتر از تاکتیک‌های جنگ روانی استفاده می‌کند. از سوی دیگر طالبان هم با استفاده از ترور و تخویف می‌خواهند از طریق فشار نظامی و دیپلماتیک ارگ را در حالت دفاعی قرار دهند.» گروه طالبان همزمان از دو گزینه استفاده می‌کنند؛ هم گزینه سیاسی از طریق مذاکرات و هم گزینه نظامی از طریق ترور و بمب‌گذاری‌ها تا همزمان بر دو طرف فشار وارد کنند تا امریکایی‌ها به توافق‌نامه دوحه متعهد بمانند که در نهایت به تشکیل حکومت موقت/عبوری ختم شود و حکومت افغانستان نیز آن را بپذیرد.

نظرمحمد مطمئن در مورد تصمیم سرکوب نظامی طالبان توسط حکومت افغانستان، باور دارد که اگر نیروهای نظامی ناتو و امریکایی در افغانستان باقی بمانند، باز هم حکومت افغانستان نمی‌تواند که طالبان را سرکوب کند: «با حضور نیروهای ناتو و امریکایی‌ها مراکز ولایت‌ها را بگیرند. با این‌حال اگر جنگ دوام کند و پس از خارج شدن نیروهای خارجی از افغانستان، طالبان قدرت را در کابل با زور نظامی به دست بگیرند، به رسمیت شناختن آن از سوی سازمان ملل متحد مسأله دیگر است.»

طالبان در دوحه نشست‌هاند و از وضعیت سربازان شان در جنگ خبر ندارند. عتیق‌الله امرخیل، آگاه امور نظامی در گفت‌وگو با اطلاعات روز، در کلیت این پروسه صلح شک دارد. آقای امرخیل معتقد است که پس از توافق‌نامه صلح امریکا با طالبان، این گروه مشروعیت پیدا کرده و اعتماد به نفس یافته‌اند که می‌توانند به تنهایی با زور نظامی در افغانستان حکومت کنند. بنابراین «گفت‌وگوهای صلح را تا جایی پیش می‌برند که فصل بهار یا فصل جنگ شروع شود و حملات نظامی شان را بالایی نیروهای امنیتی افغانستان بیشتر کنند. طالبان اراده‌ی برای صلح با حکومت افغانستان ندارد. این را بارها رهبران شان گفته است.»

آقای امرخیل با اشاره به بحث «حکومت موقت» می‌گوید طالبان به خوبی می‌دانند که در درون نظام جمهوری هماهنگی و همسویی وجود ندارد. پس لازم نمی‌بینند با این نیروهای پراکنده و نامنسجم گفت‌وگوهای صلح را پیش ببرند و به توافق صلح برسند. «طالبان اراده برای جنگ و پیروزی نظامی دارند. از همان زمانی که توافق‌نامه صلح با امریکایی‌ها امضا کردند معلوم بود که آمادگی جنگ با نیروهای امنیتی افغانستان را می‌گیرند. وقتی می‌بینند که بیشتر از آن‌ها کسانی در درون نظام طرفدار سقوط حکومت و نظام هستند و حکومت موقت می‌خواهند، بیشتر تشویق به ادامه جنگ می‌شوند. اما

آقای امرخیل با اشاره به بحث «حکومت موقت» می‌گوید طالبان به خوبی می‌دانند که در درون نظام جمهوری هماهنگی و همسویی وجود ندارد. پس لازم نمی‌بینند با این نیروهای پراکنده و نامنسجم گفت‌وگوهای صلح را پیش ببرند و به توافق صلح برسند.

رسیدن به صلح است. اما شدت جنگ به سود هیچ طرف نیست: «چرا که قربانی جنگ در هر دو طرف افغان‌ها هستند.» آقای مطمئن می‌گوید، مردم افغانستان باید روی هر دو طرف فشار وارد کنند که از شدت جنگ دست بردارند. اگر جنگ شدت بگیرد، به معنای این است که فرصت رسیدن به صلح کمتر می‌شود. پس بهتر است دو طرف بیشتر روی «دیپلماسی صلح» توجه کمی‌نند و نه استراتژی تشدید جنگ.

آیا افغانستان کمر به سرکوب طالبان بسته است؟

جنرال مسعود اندرابی، وزیر امور داخله در صحبت با خبرنگاران گفته بود که «طالبان ظرفیت سقوط هیچ شهر و هیچ مرکز ولایت را ندارند.» وزیر داخله گفت که طالبان جنگ در قندهار شروع کرده‌اند، اما افراد و سرباز برای جنگ ندارند که بر علیه نیروهای امنیتی افغانستان بجنگند، بلکه آن‌ها را از ولایت فراه و سایر ولایت‌ها آورده‌اند. رهبری سیاسی

به صلح می‌گوید صلح یک هدف مردمی و ملی است که نباید به «بازیچه قدرت‌طلبی» استفاده‌جویی‌های نامشروع و تداوم جنگ مبدل گردد: «نخبگان صادق و غیروابسته باید تلاش کنند مردم را امیدوار نگاهدارند تا جامعه برای رسیدن به صلح عادلانه، پایدار و همه‌شامل سرنوشت را از طریق مفاهمه، خودگردی و مردم‌سالاری رقم بزند و مالک صلح باشد.»

عمر صمد در مورد هشدار دو طرف برای شدت جنگ، می‌گوید آنانی که اراده سیاسی برای صلح ندارند، تفاهم و راه‌حل مسالمت‌آمیز را از طریق مذاکره به نفع خود نمی‌پندارند، از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند تا اوضاع را وارونه نشان داده و مانع پیشرفت در روند صلح شوند: «نه تنها که در هر دو جناح متخاصم در داخل افغانستان، بلکه در سطح منطقه و حتی در محافل سیاسی و لابی‌های تمویل شده در سطح فرامنطقه نیز حلقات مخرب و ضد صلح وجود دارد که از آجنداهای مشخص نیابتی پشتیبانی می‌کنند.» از نظر آقای صمد در نهایت مردم افغانستان هستند که مالک سرنوشت خود شان می‌باشند و باید تصمیم بگیرند که چه سرنوشتی را برای خود رقم می‌زنند.

نظرمحمد مطمئن، نویسنده و کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با اطلاعات روز، می‌گوید تا زمانی که مدت قرارداد میان امریکایی‌ها و طالبان تمام می‌شود، امید به

دور دوم مذاکرات صلح در دوحه عملا متوقف شده است. گفته می‌شود گروه طالبان از میز مذاکرات فراری است و حاضر نیست که با هیأت جمهوری اسلامی افغانستان گفت‌وگوهای صلح را ادامه دهد. به‌جای مذاکره، رهبران گروه طالبان سرگرم سفرهای منطقه‌ای‌شان به کشورهای جبهه مخالف امریکایی‌ها در منطقه‌اند. پس از سفر به روسیه و ایران، این بار به ترکمنستان سفر کرده‌اند. در طرف افغانستان، هیأت در دوحه است و مسئولان در کابل آمادگی جنگ را می‌گیرند. در نشست چهار روز پیش مسئولان اصلی امنیتی در کابل حرف از «سرکوب نظامی گروه طالبان» و «آمادگی کامل برای شروع فصل جنگ» بود.

طرف سوم مذاکرات که امریکا است نیز این روزها سرگرم بررسی توافق‌نامه است که حدود یک سال پیش با گروه طالبان امضا کرد. واشنگتن می‌گوید طالبان به تعهداتش در توافق‌نامه پای‌بند نبوده است. واکنش طالبان مثل همیشه برگشت به میدان جنگ و تهدید به حمله‌ی دوباره بر منافع امریکایی‌ها بوده است. بسیاری از ناظران معتقدند که نیروهای خارجی مطابق توافق در ماه می سال جاری از افغانستان بیرون نخواهد شد.

با توافق امریکا و طالبان و شروع مذاکرات بین‌الافغانی بسیاری‌ها امیدوار بودند که به پایان سال‌ها جنگ یک قدم نزدیک‌تر و روزنه برای زندگی در فضای بدون جنگ پدیدار شده است. اما کش و قوس‌های این روزهای مذاکرات و سنگرهای داغ جنگ این روزنه‌ی کوچک امید برای صلح را در حال فروستن است. در شرایطی که دو طرف بیشتر از صلح، به شدت جنگ پافشاری دارند. برای مردم افغانستان که به این پروسه صلح دل بسته‌اند، آیا توقف روند گفت‌وگوهای صلح به معنای از دست‌رفتن فرصت صلح است؟ هشدارهای دو طرف در مورد شدت جنگ به چه معناست و آیا واقعا حکومت افغانستان برای سرکوب نظامی طالبان کمر بسته است؟

آیا روزنه‌ی امید به صلح در حال فروبستن است؟

عمر صمد، پژوهشگر در شورای اتلانتیک و سفیر پیشین افغانستان در بلجیم در گفت‌وگو با اطلاعات روز، درباره بسته‌شدن روزنه‌ی امید

سهراب سروش

در امتداد دیوار محوطه‌ی پارک زرنگار، دقیق روبه‌روی لیسه‌ی استقلال، مردی پاهایش را از وسط پایه‌های یک «واکر حلزونی» بدون چرخ دراز کرده بود، با دو دستش از بازوی واکر گرفته بود، آن را به پیش هل می‌داد و خود را مثل یک حلزون از دنبالش پیش‌تر می‌کشید. «واکر حلزونی» اسم طبعی عصای کمکی مخصوص برای سالمندان و افرادی است که قدرت عضلات اندام تحتانی آن‌ها کاهش پیدا کرده، دامنه‌ی حرکتی زانو یا مچ پای آن‌ها کم شده و یا اختلال در تعادل و راه رفتن دارند. آن مرد اما طوری از آن استفاده می‌کرد که گویا کاملا فلج است.

پیش از این که خود مرد را ببینم، خط پهن و درازی را دیدم که روی سنگ‌فرش‌های گل‌آلود در امتداد دیوار پارک زرنگار کشیده شده بود و چاپ کفش‌های ره‌گذران روی آن نشسته بود و نشسته بود. کمی که پیش‌تر رفتم خودش را دیدم. راهی را که او در نیم ساعت طی کرده بود، من در کمتر از یک دقیقه قدم زدم. وقتی به او رسیدم، متوجه تابلویی شدم که پیش روی واکر حلزونی‌اش آویزان شده بود. تابلو پارچه‌ی سفیدی بود که روی آن به ترتیب از بالا به پایین به سه زبان فارسی، اردو و انگلیسی این پیام با قلم توش سیاه‌رنگ نوشته شده بود: «صدقه. من می‌خواهم به حج بروم. از شما برادرها التماس دارم کمک کنید. به این کار خیر شرکت فرموده ثواب دازین حاصل کونید.» در پایین تابلو آن‌جا که متن انگلیسی تمام می‌شد، این شعر نوشته شده بود: «گنج بخشش فیض عالم مظهر نور

خدا/ ناقصان را پیر کامل کاملا راه‌نما.» پایین این شعر به انگلیسی نوشته شده بود: «old is gold» اگر کسی از روبه‌رویش می‌آمد، جز همین تابلو و قسمت زیرین دو تا چکمه‌ی نو دهقانی را که از زیر تابلو بیرون زده بود، نمی‌دید. صورت لاغر مرد با ریش، سبیل و ابروان پرپشت و زردرنگ پشت تابلو و سبد پلاستیکی که بالای عصا قرار داشت، پنهان بود. داخل سبد مقدار پول سیاه و دهی و بیستی انداخته شده بود. دو تا دهی من هم انداختم، بالای سکوی دیوار پارک نشستم و به کتاره‌های آبی‌رنگ فلزی تکیه دادم. او بیش از یک متر از دیوار فاصله داشت. گفتم بیا نزدیک باهم قصه کنیم. پرسید: «چه قصه؟» درباره‌ی زندگی و سرفت، از چه وقت تصمیم گرفتی که بخیر حج بروی؟ با صدای پایین چیزهای نامفهومی گفت که متوجه نشدم. پرسیدم چطور فلج شده‌ای؟ به چکمه‌هایش اشاره کرد که تا زیر زانویش بالا آمده بود. گفت: «پاهایم خراب اس؛ استخوانش». گفتم هردو پایت؟ سرش را به علامت «بله» پس و پیش تکان داد. اصرار کردم نزدیک بیاید؛ سرش را به علامت «نه» به طرف چپ و راست جنباند. می‌خواستم بدانم او کیست؟ چه سرگذشتی دارد؟ چرا فلج شده؟ چگونه هوای سفر حج با جمع‌آوری صدقه به سرش زده است؟ چرا یک بخش تابلویش به زبان اردو ست؟ با این همه سؤال اما او مثل علامت سؤال آن طرف‌تر نشسته بود و نمی‌خواست حرف بزند. سکوت حقیق بود. به همین خاطر خداحافظی کردیم. چند دقیقه بعد که داخل تاکسی پل سرخ نشسته بودم، فکری به ذهنم آمد؛ برایش یک معامله پیشنهاد می‌کنم.

تلاش‌های حلزون‌وار برای سفر حج

تاکسی هنوز پر نشده بود که پایین شدم و برگشتم. در برگشت به نهادها و افرادی فکر می‌کردم که از کمک به چنین آدم‌های احساس معنویت می‌کنند، به نوشتن فراخوانی برای او در فیسبوک فکر می‌کردم. این بار در پیاده‌رو نبود؛ آن طرف جوی، لب سرک تابلویش را طوری گرفته بود که موترها به آن توجه کند. مرا که دید، احساس کردم سراسیمه شده است. گفتم اگر سوال‌هایم را جواب بدهی، یک عکس و قصه‌ات را در فیسبوک نشر می‌کنم. شاید کسانی هزار، هزار برایت کمک کنند تا مخارج سرفت زود پوره شود. تعجب را در چشمانش خواندم. گفت بپرس؟ گفتم این‌جا نمی‌شود، برویم آنجا - به دیوار پارک اشاره کردم - قصه کنیم. این‌جا بود که قصه‌اش مثل فیلم‌های «هیچکاک» ناگهان چرخش پیش‌بینی‌ناپذیری پیدا کرد. دیدم مثل یک انسان سالم می‌خواهد کنارم روی سکوی دیوار بنشیند. تکان خوردم. چون پشت سرم بود، ندیدم چگونه از جوی تیر شده است اما همگام با من از جوی گذشته بود. واکر حلزونی‌اش را لب سرک رها کرده بود. هنوز کامل نشسته بود که متوجه شگفتی من شد و از نشستن روی سکوی پشیمان شد. آهسته روی زمین خزید. بیشتر از ۴۰ سال عمر نداشت.

یقین کردم آن‌گونه فلج نیست که او خودش را می‌کشد یا شاید اصلا فلج نیست، گفتم: «خب، حاجی صاحب؛ اسم شما چیست؟»

بسیار خوب حاجی صاحب غلام نبی؛ پایت را چه شده؟ به جای این که جوابم را بدهد، گفت شماره‌ات را بده.

کابل نان

گفتم شماره‌ی من چه به درد تو می‌خورد، تو شماره‌ات را بده که اگر کسی خواست کمک کند، زنگ بزند. دستش را در جیبش برد ولی زود پس کشید. گفت یاد ندارم. گفتم کجای استخوان پایت مشکل دارد؟ ممکن است به من نشان بدهی؟ به چهار دور و برش نگاه سریعی انداخت و گفت: «برو، از این‌جا برو.» گفتم اگر یک چکمه‌ات را لوچ کنی تا پایت را ببینم، برایت پنج‌صد افغانی می‌دهم. اول پول را می‌دهم، بعد تو چکمه‌ات را بکش. شروع کرد به خزیدن. طرف واکرش می‌رفت. تندتند خود را می‌کشید. از جابم بلند شدم که سروصدایش بلند شد. چند نفر توجهش به ما جلب شدند. از جمله یک راننده که چرخ‌های موترش به سمت مرکز تجارتنی گل‌بهار می‌چرخید، او سرش را از پنجره‌ی موترش بیرون آورد ولی وقتی دید اوضاع آرام است، پس کشید. حاجی نیز وقتی دید از دنبالش نمی‌آیم، دیگر سروصدا نکرد. فقط سرعتش را بیشتر کرده بود. حلزون‌وار می‌خواست از عرض سرک عبور کند. یک مرد میان‌سال که ده متر آن‌سوتر کنار ده‌ک‌ی سیار سیگارفروشی‌اش نشسته بود، ما را نگاه می‌کرد. بقیه بی‌توجه از کنار ما می‌گذشتند. وقتی از کنار سیگارفروشی عبور می‌کردم، گفت: آن آدم «جورتیار» است، خودش را به فلجی زده است. او گفت: «چه می‌کنی لالا جان؟ از راحت بورو. باز بریت کلان جنجال جور می‌شه.» حرفش را قبول کردم و از راهم رفتم. پارک زرنگار را یک دور زدم و دو باره برگشتم به همان‌جا. اثری از حاجی صاحب نبود. این‌جا کابل جان است.

کلان‌ترین وعده‌های رییس‌جمهور که هرگز عملی نشده است

بلال خداداد، مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک

یکی از انتقادها بر رییس‌جمهور این است که وعده زیاد می‌دهد اما کم عمل می‌کند. اشرف غنی، رییس‌جمهور کشور از آغاز حکومت پیشین‌اش تاکنون وعده‌های بسیاری به مردم داده است اما بسیاری از این وعده‌هایش را عملی نکرده است. از نظر کسانی که در این گزارش با آن‌ها گفت‌وگو شده این کار رییس‌جمهور نوعی تلاش برای فریب مردم با وعده‌های غیرعملی است. آیا واقعا رییس‌جمهور به وعده‌هایش عمل نمی‌کند؟

مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک، ده کلان‌ترین وعده‌ی رییس‌جمهور را که در سفرهای داخلی به ولایت‌های هرات، بامیان، ننگرهار، بدخشان، قندهار، بلخ، سمنگان و غزنی داده است، گردآوری کرده و دریافته که هیچ یک از این وعده‌ها عملی نشده است.

صادرات برق به بیرون از کشور

محمد اشرف غنی در سال ۱۳۹۳ هنگامی که نخستین سفر ولایتی‌اش را منحصیث رییس‌جمهور حکومت وحدت ملی از ولایت هرات آغاز کرد اما آنچه را به مردم این ولایت وعده کرد تا امروز عملی نشده است. آقای غنی در این سفرش خطاب به مردم هرات گفت: «افغانستان به‌زودی به مرکز صادرات برق به کشورهای همسایه تبدیل می‌شود.»

با گذشت بیشتر از شش سال از این وعده‌ی رییس‌جمهور، نه‌تنها افغانستان صاحب برق تولیدی و صادراتی نشد، بلکه به گفته‌ی شماری از باشندگان هرات، هم‌اکنون در شبانه‌روز ۱۰ تا ۱۴ ساعت بیشتر برق ندارند و کم‌ازکم باشندگان ده ولسوالی این ولایت نیز، از دسترسی به انرژی برق محروم‌اند.

سید اشرف سادات، فعال جامعه مدنی در هرات، می‌گوید که آقای غنی از آغاز حکومت قبلی‌اش تاکنون ۹ سفر به این ولایت داشته اما هیچ‌یک از این سفرها نه‌تنها که دست‌آورد

محسوسی در امور تأمین امنیت، حکومت‌داری و رفاه اقتصادی برای مردم این ولایت نداشته، بلکه به هیچ وعده‌ی خود از یک سفر تا سفر بعدی عمل نکرده است.

مشکل بی‌برقی در کابل بیشتر از هرات است. به قدری بی‌برقی بر پایتخت‌نشینان فشار آورده که این وعده رییس‌جمهور تبدیل به جوک در شبکه‌های اجتماعی شده است. هرباری برق کابل به‌دلیل مشکلات تکنیکی قطع می‌شود، کاربران در شبکه‌های اجتماعی با دستمایه ساختن این وعده‌ی رییس‌جمهور می‌گویند برق صادر شده است.

رییس‌جمهور چنان‌که در دومین سفرش در هرات در ماه جوزای ۱۳۹۵ گفته بود، اختطاف‌چیان را اعدام می‌کند: «همان‌طوری‌که شش تروریست را اعدام کردم، اختطاف‌چیان را هم اعدام می‌کنم». اما به گفته‌ی مردم و آگاهان امور در غرب کشور، تا امروز این کار را نکرده است. در همین حال، محمدانور متین مشاور فرهنگی اداره‌ی محلی هرات، می‌گوید که رییس‌جمهور مصمم به عملی کردن هر یک از وعده‌های خود است و اداره‌ی محلی نیز، همه‌ی وعده‌های رییس‌جمهور را دنبال می‌کند اما انجام این وعده‌ها، به‌ویژه کارهای زیربنایی، زمان‌گیر است.

سرکوب غاصبان زمین در ننگرهار

محمد اشرف غنی در ماه جدی ۱۳۹۴ در سفری که به ولایت ننگرهار داشت ضمن بررسی اوضاع امنیتی و دید و بازدید با مردم، بزرگان قومی و مسئولان محلی در سخنرانی‌اش گفت: «اگر قومندان صاحب امنیه نمی‌تواند و زورش نمی‌رسد، وزیری صاحب به ارتش امر کنید که غاصبان را بزنند.»

ذبیح‌الله زمزی عضو شورای ولایتی ننگرهار به خبرنگار پیک می‌گوید که این وعده‌ی رییس‌جمهور را خوب به یاد دارد اما از آن روز تاکنون نه‌تنها که هیچ غاصب زمین سرکوب

نشد، بلکه بیشتر از پیش دست غاصبان درازتر شده است. بر بنیاد گزارش‌ها، بیش از ۲۷۵ هزار جریب زمین توسط ۱۱۰۰ نفر مشمول مقام‌های دولتی، زورمندان و مردم عادی در ولایت ننگرهار غصب شده است. عطالله خوگیانی، سخن‌گوی والی ننگرهار، می‌گوید که بسیاری از زمین‌های غصب‌شده از تصرف غاصبان بیرون شده اما نمی‌گوید که چه مقدار زمین برگردانده شده و چه تعداد از غاصبان زمین مطابق وعده‌ی رییس‌جمهور، سرکوب و یا به دادگاه معرفی شده‌اند.

بامیان روشن می‌شود

بزرگ‌ترین وعده رییس‌جمهور برای مرکز کشور، کم‌تر از وعده‌هایش در غرب و شرق کشور نیست. رییس‌جمهور غنی در ماه اسد ۱۳۹۵ به ولایت بامیان سفر کرد. او در این سفرش خطاب به مردم بامیان با آواز بلند گفت: «بامیان روشن می‌شود و در تاریکی نمی‌ماند.» اما به گفته‌ی برخی از بامیانیان، این رؤیا نه‌تنها تحقق نیافت، بلکه قربانی هم گرفت.

محمد رحیم علی‌یار نماینده مردم بامیان در مجلس نمایندگان، می‌گوید که پس از این وعده‌ی رییس‌جمهور، هیچ کاری در بخش روشنائی بامیان انجام نشده است. اما به گفته‌ی لطیف عظیمی سخن‌گوی والی بامیان، وعده‌ی رییس‌جمهور درحال اجرا قرار دارد و امیدوارند که تا پایان سال ۱۴۰۰ ولایت بامیان از نور برق روشن شود.

بازسازی آبدات تاریخی شهر غزنی

در جنوب کشور در ولایت غزنی رییس‌جمهور در ماه اسد ۱۳۹۷، که مرکز این شهر گواه ویرانه‌های به‌جامانده از درگیری‌ها میان طالبان و نیروهای امنیتی بود، وعده بازسازی داد. به گفته‌ی مسئولان ریاست اطلاعات و فرهنگ این ولایت، افزون بر تخریب و خساره‌ی سنگین بر ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی، شمار زیادی



مکتب مسلکی و تکنیکی در ولسوالی‌های این ولایت، تا حالا ساخته نشده است.

اما غلام فاروق خیلواک، معاون والی بلخ از ادامه‌ی کار ساخت‌وساز مکتب‌های تکنیکی و مسلکی در برخی ولسوالی‌ها سخن می‌گوید و هیچ‌گونه آمار و جزئیات دقیق به‌دست نمی‌دهد. آقای غنی در این سفر که ظاهراً به‌هدف افتتاح سب استیشن برق ۲۰ کیلووات ولسوالی خلم و شبکه‌ی توزیع برق مارمل به این ولایت رفته بود، در مراسم افتتاح این شبکه گفت: «در ۱۸ ماه آینده ان‌شالله‌وتعالا تمام شبکه‌های برق افغانستان به یک شبکه‌ی واحد تبدیل خواهد شد.»

اما به گفته‌ی انجنیر حمیدالله، رییس برق ولایت بلخ عملی‌شدن این برنامه در سراسر کشور زمان‌گیر است و در سطح این ولایت، تاکنون این وعده عملی نشده است.

سه برابر سرمایه‌گذاری در فرودگاه قندهار

رییس‌جمهور غنی در سفری که ماه سرطان ۱۳۹۸ به ولایت قندهار داشت، فرودگاه این ولایت را به‌نام «فرودگاه بین‌المللی احمدشاه بابا» نام‌گذاری کرد و افزون‌بر وعده‌ی سه برابر

شب‌نشینی‌ای که شیون شد

روایت یک خانواده‌ی پکتیایی که نیروهای ویژه ارتش امریکا پنج عضو آن را یکجا کشتند



عابر شایگان
گزارشگر

شلیک تفنگ می‌شنوند. زن و مرد همه به سمت بیرون می‌دوند و می‌بینند که فرمانده ۵۱ ساله روی حیاط خانه افتاده است. او را با سینه‌ی شکافته‌اش از روی زمین برمی‌دارند و به دهلیز خانه می‌آورند. لحظه‌ای بعد محمدظاهر شرابزوی، برادر کوچک‌تر فرمانده به سمت دروازه دهلیز می‌رود و می‌بیند که نیروهای امریکایی دورادور حویلی را محاصره کرده‌اند. به انگلیسی رو به آن‌ها می‌گوید که «شلیک نکنید، این‌جا خانه‌ی یک فرمانده پولیس است». هنگامی که بی‌بی صالحه، بی‌بی شیرین و بی‌بی گلالی به دنبال او می‌دوند تا نگذارند بیرون بروند، تفنگ‌داران امریکایی همه‌شان را به رگبار می‌بندند. حالا دقیقاً ۱۱ سال از ۲۲ دلو ۱۳۸۸ گذشته است. نویدالله در ۲۲ دلو ۱۳۹۹ بدون هیچ جشن تولدی پا به ۱۱ سالگی گذاشته است. اما گذشت این همه سال چیزی از درد خانواده‌ی پرجمعیت شرابزوی‌ها کم نکرده است. به‌ویژه این‌که وعده‌های مقام‌های نظامی امریکا برای محاکمه عاملان کشتار پنج عضو این خانواده، تحقق نیافته است. محمدصابر شرابزوی، برادر ۳۸ ساله‌ی فرمانده داوود و همسر بی‌بی شیرین می‌گوید که او از مقام‌های محلی پکتیا این مسأله را پرسیده و آن‌ها گفته‌اند که دولت امریکا هیچ اقدامی در این مورد نکرده است.

به گفته‌ی آقای شرابزوی، دو سه ماه بعد از این اتفاق، چند مقام نظامی امریکا از پایگاه‌شان در شهر شرن پکتیکا برای معذرت‌خواهی به رسم یک سنت محلی با گوسفند و برنج و یک میلیون و ۵۰۰ هزار افغانی به خانه‌ی

آن‌ها در ناحیه‌ی سوم شهر گردیز پکتیا آمدند. آن‌ها در حضور ریش‌سفیدان محل ضمن معذرت‌خواهی به خانواده‌ی شرابزوی وعده دادند که خانه‌ی آن‌ها را بیمه می‌کنند، عاملان کشتار را محاکمه می‌کنند و برخی از فرزندان این خانواده را برای تحصیل به امریکا می‌فرستند. آقای شرابزوی می‌گوید که این وعده‌ها نه‌تنها که عملی نشده بلکه مایه‌ی شنیدن کنایه/پیغور هم شده است: «حالا هر مسأله‌ای که شود مردم می‌گویند شما که نزد امریکایی‌ها بیمه هستید!»

یکی از خواست‌های خانواده‌ی شرابزوی از مقام‌های امریکایی، معرفی فرد گزارش‌دهنده به آن‌ها بوده است. شخصی که به عمد به نیروهای امریکایی گزارش اشتباه داده بود که در خانه‌ی شرابزوی‌ها، افراد طالبان گرد آمده و در حال گرفتن آمادگی برای یک حمله احتمالی در مرکز شهر گردیزند. محمدصابر فکر می‌کند که فرد گزارش‌دهنده احتمالاً از افراد طالبان یا از رقیبان منطقه‌ای خانواده‌ی شان بوده که به‌دلیل داشتن پیشینه‌ی طولانی کار در دولت و حمایت از نظام‌های مختلف در افغانستان، آب‌شان با این خانواده در یک جوی نمی‌رود.

محمد داوود شرابزوی، نظامی سابقه‌داری بود که از زمان حکومت داوودخان تا زمان مرگ خودش با دولت کار می‌کرد. او پدر هشت فرزند بود و در فرماندهی پولیس ولسوالی زرم‌ت پکتیا کار می‌کرد. محمدظاهر ۴۸ ساله، برادر کوچک‌تر او، پدر ۷ فرزند و دادستان ولسوالی احمدآباد پکتیا بود. بی‌بی صالحه ۳۵ ساله، خواهر آن‌ها، ۴ ماهه حمل داشت و مادر



برای نگهداری نزد خودش برد. محمدصابر ۱۰ ماه بعد از این اتفاق برای نگهداری فرزندان‌ش با زنی ازدواج کرد اما هنوز غم و غصه‌ی از دست‌دادن بی‌بی شیرین، روی دلش سنگینی می‌کرد: «وقتی خانم کشته شد، بسیار احساساتی می‌شدم. همین خانواده و مردم و دوستان بودند که همدردی می‌کردند و دردم را تسکین می‌دادند. تا یک سال نمی‌فهمیدیم که اصلاً مرده هستیم یا زنده؟ در کدام دنیا هستیم؟ بیخی بیپوش بودیم؟»

حالا اشرف‌الله آن پسرپنجه‌ی ۸ ماهه، دانش‌آموز صنف ششم مکتب است. وقتی از پدرش محمدصابر در مورد مادرش می‌پرسد، او که شاهد زنده‌ی صحنه بوده است، تمام ماجرای آن شبی را که در خانه‌ی‌شان بلا نازل شده بود، برایش بازگو می‌کند. می‌گوید

۹ فرزند بود. بی‌بی شیرین، همسر ۲۰ ساله‌ی محمدصابر، مادر ۴ فرزند قدونیم‌قد بود. بی‌بی گلالی، برادرزاده‌ی ۱۹ ساله‌ی محمدصابر تازه با یک مأمور امنیت ملی نامزد کرده بود که پارسال گروه طالبان او را کشتند.

از دست‌دادن یک‌باره‌ی این پنج عضو از ۴۵ عضو، شبیه فرود آمدن پتک سنگین بر سر خانواده‌ی شرابزوی بود. محمدصابر ۳۸ ساله می‌گوید که تا یک سال پس از این اتفاق نمی‌فهمیدند که واقعا زنده‌اند یا مرده. او که آن زمان می‌خواست در رشته‌ی حقوق تحصیل کند، روی دستش ۲۸ یتیم خردسال مانده بود، از جمله چهار فرزند خودش که بزرگش تنها ۵ سال داشت و کوچکش اشرف‌الله ۸ ماه. به‌زودی مادرزن محمدصابر به کمک او آمد و دو نوه‌ی یک‌ونیم ساله و ۸ ماهه‌اش را

گزارش

ترس از انفجار و بیکاری

کارگران روزمزد کابلی چگونه چرخ زندگی را می‌چرخانند؟

معضومه جعفری
گزارشگر

«در خانه خرج نیست. زمستان است. از خانه می‌آیم سرچوک و شام دست خالی برمی‌گردم. همه چشم به‌راهند که یک لقمه نان ببرم. اگر ده روپیه هم پیدا کنم پول یک نان خشک می‌شود. وضعیت از هر لحاظ خوب نیست اما از بیکاری بیشتر از انفجار و انتحار می‌ترسم.»

بومان افشار در هوای سرد زمستان همراه دیگر کارگران روزها سر چوک شهرک امید سبز بر روی کناره سنگی کنار خیابان می‌نشیند. او از ابزار کارگری یک بیل به همراه دارد و در قطار کارگران منتظر صاحب‌کاران رهگذری است تا بیایند و از میان آن‌ها یکی را انتخاب کنند. او با ناراحتی می‌گوید هر روز از اول صبح سرچوک می‌آید و غروب دست خالی به خانه برمی‌گردد. او که از سرمای زیاد زانویش درد دارد و توان خرید دارو و درمان را ندارد می‌گوید به علت بیکاری که یک سال گریبان‌گیر مردم شده است روزهای بدی را می‌گذراند. او پدر شش فرزند است.

کارگران روزمزد که در بهترین حالت، روزانه ۳۰۰ افغانی به‌دست می‌آورند، در این روزهای زمستان حاضرند حتماً برای صد افغانی کار کنند تا نانی برای اهل و عیال ببرند. بومان که بیشتر فرزندانش کودکان، و بعضی از آن‌ها به‌گفته‌ی خودش به علت سرمای بیش از حد زمستان سینه و بغل شده‌اند می‌گوید سوختی برای گرم کردن ندارند و هیچ کس هم به دادشان نمی‌رسد. او به اطلاعات روز می‌گوید: «در این زمستان پول زغال و چوب نداریم. پیمه‌اش نیست. پلاستیک و کاغذ و بوتل نوشابه را جمع می‌کنم و آتش می‌کنم و اشغال می‌سوزانم. از جایی به ما کمک نمی‌شود. یک سیر گندم خراب می‌آید که دولت‌های خارج کمک می‌کنند، وکیل صاحب‌ها می‌خورند.»

با این همه آرزوی او صلح و آرامی در کشور است و باور دارد که اگر انفجار و انتحار کم شود وضعیت زندگی مردم نیز خوب خواهد شد.

دست خالی؛ رُخ زرد

یحیا ۳۱ ساله و متولد میدان وردک است. او که سال‌هاست در کابل سکونت دارد و با زن و چهار فرزندش در یک خانه‌ی کرایه‌ای زندگی می‌کند می‌گوید در زمستان توانایی پرداخت کرایه‌ی خانه را ندارد و در بهار اگر کاری پیدا کند همه را یکجا با صاحب‌خانه تسویه می‌کند. او از ۱۲ سالگی کارگری کرده و هیچ پیشه‌ی دیگری نداشته است. او در گفت‌گو با روزنامه‌ی اطلاعات روز می‌گوید یک بار تصمیم به تغییر شغل گرفته است و با خرید کراچی و ترازو و میوه تصمیم به فروش میوه گرفته بود اما بارها با ممانعت دکانداران و شهرداری روبه‌رو شده و از آن کار نیز منصرف شده و به سر گذر برگشته است.

او با شکایت از صاحب‌کارانی که کارگران را از سر چوک می‌برند می‌گوید وضعیت بیکاری یک طرف اما برخی صاحب‌کاران با بی‌انصافی تمام وقتی می‌بینند که کارگران زیادی چشم به راه هستند تا حداقل برای ساعتی کار کنند به آن‌ها پیشنهاد ۵۰ افغانی دستمزد را می‌کنند که واقعا ظالمانه است: «بسیار بی‌انصافند. بیکاری است و صاحب کاران پیشنهاد ۵۰ افغانی دستمزد را می‌دهند. یک روز تا ساعت ۶ شام کار کردم ۲۰۰ افغانی دادند. می‌گویند اگر با این پول کار می‌کنی کار کن، نمی‌کنی کارگر زیاد است.»

یحیا که برای یافتن کار بارها تصمیم به مهاجرت گرفته اما مشکلات و هزینه‌های آن مانع شده است می‌گوید رنجی که مردم از بیکاری و ناامنی می‌برند با هم برابر است اما به‌نظر او بیکاری تأثیر بدتری بر روان قشر کارگر می‌گذارد: «در خانه همه چیز نیاز است. روزی که پیسه نداشته باشم شب اگر دست خالی به خانه بروم، آدم خجالت است. روی اعصابم تأثیر می‌کند، شب تا صبح بیدار می‌مانم. حالا هفته‌ای یک بار هم کار نمی‌شود اما روزی که با پیسه بروم، روی‌سرخ می‌روم.»

او که با سختی، زمستان هر سال را می‌گذراند از ابتدای سال کیسه‌های خالی را از سر کار جمع کرده و آنها را به‌عنوان سوخت در گوشه‌ای از خانه نگه می‌دارد «در زمستان دو بوجی زغال گرفته‌ام و از ابتدای سال بوجی‌های خالی را از سر کار جمع می‌کنم و آمادگی می‌گیرم. خانه گرم نمی‌شود اما بچه‌ها را بازی می‌دهم که بخاری داغ است.»

رنج مضاعف

فقر، بیکاری، ناامنی و مشکلات زندگی افغان‌های زیادی را به ستوه آورده است. چه بسا اگر کارگر باشند چرا که آنها با وضعیت جوی و با رخصتی‌های فصلی چندین برابر دیگران متحمل رنج می‌شوند. علی‌داد از ساکنان ولایت غور که بنا به بیماری همسرش دو سال است در کابل مسکن گزیده است؛ علاوه بر همه‌ی این موضوعات به دلیل تومور مغزی همسرش بدهکار شده و در این فصل سرد سال که کاری وجود ندارد، هم‌ردیف کارگران روزمزد منتظر نشسته است تا بلکه از طریق انجام کاری هرچند اندک

تأمین امنیت معادن زغال‌سنگ سمنگان

رییس‌جمهور غنی در ادامه‌ی سفرهای ولایتی‌اش در ماه اسد سال جاری، به ولایت سمنگان رفت. در این سفر هنگام سخنرانی در میان جمعی از بزرگان و نمایندگان مردم و مسئولان محلی، خطاب به وزیر امورداخله، رییس ستاد ارتش و رییس امنیت ملی کشور گفت: «اگر امنیت معادن زغال‌سنگ را تأمین نکردید، مناسبات ما و شما خراب خواهد شد.» اما به باور برخی از فعالان مدنی در ولایت سمنگان، نه مناسباتی خراب شد و نه امنیت تأمین شد. شمس‌الدین رضایی فعال مدنی در سمنگان، می‌گوید که طالبان با حضور گسترده‌ی شان در دره‌ی صوف پایین، ماهانه بیش از ۳۰ میلیون افغانی از معادن زغال‌سنگ این ولایت درآمد دارند. داوود کلکانی والی سمنگان نیز، به‌خبرنگار پیک می‌گوید که متأسفانه این وعده‌ی رییس‌جمهور تاهنوز عملی نشده است.

با تلاش‌ها و تماس‌های مکرر، سخن‌گویان و دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری در برابر چون‌وچرای این وعده‌ها پاسخ نداده‌اند.

شماری از شهروندان، به این باورند که سفر رییس‌جمهور غنی به هر ولایت، خالی از وعده‌های رنگارنگ نبوده و بسیاری از این وعده‌ها نیز، فراموش شده‌اند. احمدشاه باشنده‌ی ناحیه چهارم شهر کابل می‌گوید: «از دروغ‌های رییس‌جمهور غنی خسته شدیم، کدام وعده را عملی کرده که از ناکرده‌هایش بگوییم...»

محمدرفیع نادری، رییس انجمن وکلای مدافع در زون غرب کشور، به‌این باوراست که روند پاسخ‌دهی دولت به ملت، باید از شخص رییس‌جمهور آغاز شود. به گفته وی، آقای غنی باید در برابر هریک از وعده‌های خود پاسخ بدهد. به گفته‌ی وحیدالله فرزهای عضو انجمن حقوق‌دانان افغانستان، شکل نگرش یک جامعه‌ی مدنی قوی و مستقل، سبب عدم پاسخ‌گویی مقام‌های دولتی شده است.

از نظر آقای فرزهای براساس ماده‌ی ۶۹ قانون اساسی کشور، رییس‌جمهور باید در برابر تعهدات خود به مردم پاسخ‌گو باشد اما چون گزینه‌های قانونی محاکمه‌ی رییس‌جمهور در این ماده مشخص نیست، آقای غنی هم آزادانه وعده می‌دهد، تا عمل نکند.

گزارش

سال ۲۰۲۰ قضات دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه اجازه‌ی آغاز تحقیقات در مورد اتهامات جنایت جنگی در افغانستان توسط طرف‌های جنگ در این کشور را صادر کردند. براساس مجوز این دیوان، عملکرد نیروهای امریکایی و دیگر طرف‌های جنگ در افغانستان از آغاز فعالیت‌شان در این کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند. حالا تنها دل‌خوشی خانواده‌ی شراب‌زوی این است که نیروهای خارجی‌ای که در افغانستان مرتکب جنایت جنگی شده‌اند، محاکمه می‌شوند. اما به اعتقاد کارشناسان، از آن‌جایی که دولت امریکا عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیست، احتمال همکاری‌اش با این دیوان در انجام تحقیقات بعید به‌نظر می‌رسد.

صابر شراب‌زوی می‌گوید حتی اگر عواملان کشتار پنج عضو خانواده‌اش محاکمه شوند و غرامت هم بپردازند، زهرای از خسارت جانی و مالی را که به خانواده‌ی او وارد شده، نمی‌تواند جبران کند. بعد از آن اتفاق خانواده‌ی پرجمعیت او از هم پاشیده و پدر ۸۵ ساله، مادر ۷۵ ساله، خانم‌های برادر و یتیمان به‌جامانده از آن‌ها مشکل روحی پیدا کرده و بسیاری از فرزندان‌شان از آموزش بازمانده‌اند. به سبب اوضاع مالی نامناسب خانواده، بزرگ‌ترها مجبور شده‌اند که به‌جای رفتن به مکتب، کار کنند. تنها کوچک‌ترها مثل اشرف‌الله و نویدالله شانس رفتن به مکتب را داشته‌اند. نویدالله حالا قرار است زیر نگاه سرزنش‌آمیز و مقصرپندار بقیه اعضای خانواده و جامعه برای اتفاقی که مقصرش نیروهای امریکایی بوده یک عمر زندگی کند.

«همه به او می‌گویند تو بدقدم بودی. تولد تو شگون خوبی نداشت. او چیزی نمی‌گوید. من می‌گویم که گناه این نیست. این یک کودک است. ما باید گذشته را رها کنیم و زندگی خود را از نو بسازیم.»

سرمایه‌گذاری در این فرودگاه، گفت: «میدان هوایی احمدشاه بابا، نقطه‌ی وصل منطقه با اروپا و خلیج خواهد بود و میوه‌ی قندهار از همین دهلیز هوایی صادر خواهد شد.»

از این وعده تاکنون بیشتر از یک‌ونیم سال گذشت اما به باور برخی از بازرگانان قندهاری، نه‌تنها که سرمایه‌گذاری‌ها در این فرودگاه سه برابر نشده، بلکه دهلیز‌هوایی قندهار نیز در این مدت به‌روی صادرات بازرگانان بسته شده است.

به گفته‌ی حاجی نصرالله زهیر رییس اتاق تجارت و صنایع قندهار، دهلیز‌هوایی قندهار از سال ۱۳۹۷ به این‌سو هیچ پروازی برای صادرات میوه‌ی این ولایت نداشته است. اما به گفته‌ی مسعود پشتون رییس اداره‌ی هواپروازی در فرودگاه قندهار، وعده‌ی رییس‌جمهور در حال عملی شدن است و قرار است تا بهار سال نو خورشیدی، کار ساخت‌وساز ترمینل جدید این فرودگاه آغاز شود.

بازپس‌گیری معدن طلای بدخشان از طالبان

در ماه قوس ۱۳۹۸ آقای غنی در رأس یک هیأت بلندپایه حکومتی به ولایت بدخشان رفت. رییس‌جمهور غنی در این سفر به‌مقام‌های امنیتی دستور داد که هرچه زودتر، معادن طلای راغستان را از تصرف طالبان بیرون کنند. آقای غنی هنگام سخنرانی‌اش در جمعی از بزرگان و نمایندگان مردم و مسئولان محلی بدخشان، با آواز بلند گفت:

«معدن طلا ره از طالبان می‌گیریم...»

اما اخترمحمد خیززاده، معاون والی بدخشان، می‌پذیرد که معادن طلای راغستان هنوز در تصرف طالبان است. همچنان به گفته‌ی برخی از نمایندگان مردم بدخشان، پس از این وعده‌ی رییس‌جمهور غنی درآمد طالبان از معادن طلای راغستان، نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه تا سه برابر افزایش یافته است.

به گفته‌ی ذبیح‌الله عتیق نماینده مردم بدخشان در مجلس نمایندگان، سال گذشته زمانی که رییس‌جمهور غنی چنین وعده داده بود، درآمد روزانه‌ی طالبان از معادن طلای راغستان تا ۲۰هزاردالر می‌رسید اما اکنون این‌رقم به ۶۰ هزاردالر رسیده است.

که بعد از این‌که تفنگ‌داران امریکایی محمدظاهر عمویش، بی‌بی صالحه عمه‌اش، بی‌بی شیرین مادرش و بی‌بی گلالی دخترعمویش را در دم دروازه‌ی دهلیز به رگبار بستند، دروازه‌ی حیاط را انفجار دادند و وارد خانه شدند. مردان خانواده را زدند و رو به دیوار ایستادند و همه سوراخ سمبه‌های خانه را بو کشیدند. بعد از ساعت ۶ و نیم صبح او، غفار پسر عمویش، شش مهمان، ۴ میل کلانشینکوف، ۳۷ لک افغانی را با خود در چرخمال به پایگاه‌شان در شرن پکتیکا انتقال دادند. آن‌ها را در اتاق کوچک تاریک انداختند و مورد بازجویی قرار دادند. فردای آن شب مردم پکتیا با حمل جنازها در شهر، تظاهرات کردند.

عصر آن روز پس از ختم تظاهرات، پنج قربانی اشتباه نیروهای امریکایی را کنار هم به خاک سپردند. نیروهای امریکایی بعد از سه شبانه‌روز بازجویی و تحقیق وقتی هیچ سند و مدرک دال بر همکاری آن‌ها با گروه طالبان پیدا نتوانستند، هر هشت نفرشان را از پکتیکا به پکتیا انتقال دادند و به فرماندهی پولیس این ولایت تحویل دادند. بعدا دولت آن‌ها را به خانه‌ی‌شان رساند. اشرف‌الله وقتی قصه‌ی قربانی‌شدن مادر، عمه و عموها را می‌شنود، می‌گوید:

«خدا خانه‌ی امریکایی‌ها را خراب کند.»

پس از سال ۲۰۰۱ که نیروهای خارجی در افغانستان حضور داشته، اتهام‌های جدی جنایت جنگی علیه آن‌ها مطرح شده است. در موارد زیادی این نیروها به‌طور عمد یا اشتباهی غیرنظامیان را در ولایت‌های مختلف کشور کشته‌اند. در ماه قوس امسال دولت استرالیا اعلام کرد که پس از چهار سال تحقیقات راجع به جنایت جنگی نیروهای این کشور در افغانستان، دریافته است که ۲۵ تن از نیروی ویژه‌ی هوایی این کشور در کشتار ۳۹ غیرنظامی در افغانستان دست داشته‌اند. در ماه مارچ

اتحادیه اروپا سه دیپلمات روس را اخراج کرد

وزارت خارجه سوئد نیز در واکنش مشابهی اخراج دیپلمات خود از مسکو را «غیرقابل پذیرش» توصیف کرد. وزارت خارجه لهستان نیز گفت طبق اصول دیپلماتیک اقدام متقابل، یک دیپلمات کنسولگری روسیه در شهر پوزنان را اخراج کرده است.

سخن‌گوی وزارت خارجه روسیه روز دوشنبه در مصاحبه‌ای با تلویزیون دولتی این کشور گفت: «تصمیم سه کشور عضو اتحادیه اروپا غیرموجه، غیردوستانه و تداوم اقدامات غرب علیه کشور ماست که آن را دخالت در امور داخلی خود تلقی می‌کنیم».

جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، غروب یکشنبه گفت روسیه تقاضای او برای متوقف کردن اخراج ریهو تراس، وزیر دفاع سابق استونی، که اکنون عضو پارلمان اروپاست کارزاری را برای استعفاي جوزپ بورل آغاز کرده است.

ولی کمیسیون اروپا از سفر آقای بورل به مسکو دفاع کرده و گفته که هدف از این اقدام پیشگیری از افزایش تنش و رویارویی بین دو طرف بوده است.

سخن‌گوی کمیسیون اروپا روز دوشنبه گفت: «این سفر

ضروری بود. سفرهای دیپلماتیک به این دلیل که ممکن است مشکل باشند لغو نمی‌شوند. موفقیت یا شکست یک سفر دیپلماتیک بر اساس رویدادهایی که در یک لحظه مشخص اتفاق می‌افتد، ارزیابی نمی‌شود».

سخن‌گوی کاخ کرملین نیز در سخنان روز دوشنبه خود گفت این کشور آغازگر فروپاشی مناسبات با اروپا نیست. جوزپ بورل قرار است روز سه‌شنبه در مورد مناسبات با روسیه در پارلمان اروپا سخنرانی کند.

پارلمان اروپا چند هفته پیش از کشورهای عضو خواست در واکنش به بازداشت آلکسی ناوالنی، تحریم‌های جدیدی علیه مسکو وضع کرده و تکمیل پروژه خط لوله انتقال گاز «نورد استریم ۲» بین روسیه و آلمان را متوقف کند.

جوزپ بورل با درخواست آزادی الکسی ناوالنی و بهبود مناسبات با روسیه به مسکو رفت. ولی او در بیانیه روز یکشنبه خود این سفر را بسیار «پیچیده» توصیف کرد.

آقای بورل گفت: «روسیه بیش از گذشته از اروپا فاصله می‌گیرد و معیارهای دموکراتیک را تهدیدی برای موجودیت خود تلقی می‌کند. این بر عهده کشورهای عضو است که در مورد گام‌های بعدی در مناسبات با روسیه تصمیم بگیرند و این می‌تواند شامل تحریم هم باشد.»

به نقل از رادیو فردا، این اقدامات تلافی‌جویانه نشان‌دهنده تیره شدن مناسبات دو طرف است. اتحادیه اروپا روسیه را به تلاش برای بی‌ثبات کردن کشورهای عضو این اتحادیه متهم می‌کند و در مقابل روسیه ضمن رد این اتهام، کشورهای اروپایی را به دخالت در امور داخلی آن کشور متهم کرده است.

مقامات اتحادیه اروپا ضمن دفاع از سفر جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی این اتحادیه به مسکو گفتند که او هنگام دیدار با سرگئی لاورف در روز جمعه از طریق شبکه‌های اجتماعی از خبر اخراج سه دیپلمات اروپایی مطلع شد.

دمیتری پسکوف، سخن‌گوی کاخ کرملین، روز دوشنبه گفت اخراج سه دیپلمات لهستانی، آلمانی و سوئدی به دلیل شرکت در تظاهراتی که برای آزادی الکس ناوالنی برگزار شده بود یک روز قبل از سفر جوزپ بورل صورت گرفته است.

وزارت خارجه آلمان در بیانیه‌ای گفت که دیپلمات این کشور «صرفاً به دلیل انجام وظیفه خود که گزارش‌دهی از وقایع جاری و به شکلی کاملاً قانونی است» از روسیه اخراج شده است.



اطلاعات روز: آلمان، لهستان و سوئد روز دوشنبه ۲۰ دلو در یک اقدام هماهنگ و به تلافی اخراج سه دیپلمات اروپایی توسط روسیه همزمان با سفر جوزپ بورل به مسکو در روز جمعه، سه دیپلمات روس را اخراج کردند.

کارشناسان سازمان ملل:

ایران و کوریای شمالی همکاری موشکی خود را از سر گرفته‌اند



ایرانی مرتبط با برنامه موشکی ایران نوشت که گروه صنعتی شهید همت (SHIG) که مرکز تولید پیشران با سوخت مایع است در حال همکاری با کوریای شمالی برای توسعه موتور با رانش ۸۰ تن بوده و رییس این مرکز، میراحمد نوشین برای مذاکره درباره قراردادهایی در این زمینه به پیونگیانگ سفر کرده بود.

گروه شهید همت از سوی دولت آمریکا به عنوان نهاد اصلی مرتبط با برنامه موشکی بالیستیک ایران معرفی شده است.

بر اساس گزارش کارشناسان سازمان ملل، دولت ایران اواخر آذرماه امسال در پاسخ به سوالات کارشناسان سازمان ملل، به صورت کتبی همکاری در این زمینه با کوریای شمالی را تکذیب کرده و گفته است نتایج این تحقیق بر اساس داده‌های نادرست به دست آمده است.

انتشار این گزارش در حالی رسانه‌ای می‌شود که موضوع برنامه موشکی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه اتحادیه اروپا و آمریکا برای گفت‌وگوهای احتمالی با ایران مطرح شده است.

موشک‌های بالستیک دوربرد کرده است. خبرگزاری بلومبرگ هم با اشاره به گزارش کارشناسان سازمان ملل نوشته است که یافته‌های این کارشناسان نشان می‌دهد که «مرکز تحقیقاتی شهید حاجی علی موحد» در ساخت موشک ماهواره‌بر از «کمک و پشتیبانی» متخصصان کوریای شمالی بهره برده است.

دولت آمریکا در ماه سنبله امسال با تاکید بر این که تولیدکنندگان موادی که کاربرد دوگانه در تولید موشک‌های بالستیک دارند تحریم می‌شوند، گفت در همین راستا شرکت «شهید حاج علی موحد» نیز تحریم می‌شود.

میراحمد نوشین، محمد غلامی و اصغر اسماعیل‌پور نیز سه فردی هستند که در ارتباط با شرکت «شهید حاج علی موحد» به لیست تحریم‌ها افزوده شده‌اند.

نام میراحمد نوشین قبلاً هم در ارتباط با همکاری‌های موشکی ایران و کوریای شمالی مطرح شده بود. وزارت خزانه‌داری آمریکا دی‌ماه سال ۹۴ در گزارشی که پیرامون تحریم برخی مقام‌ها و شرکت‌های

اطلاعات روز: یک گروه از کارشناسان سازمان ملل که بر تحریم‌های کوریای شمالی نظارت می‌کنند گزارش داده‌اند که ایران و کوریای شمالی از سال ۲۰۲۰ دوباره شروع به همکاری در زمینه توسعه موشک‌های دوربرد و انتقال قطعات ساخت این موشک‌ها کرده‌اند.

خبرگزاری فرانسه که یک نسخه از این گزارش را رویت کرده روز سه‌شنبه نوشت که این گزارش روز دوشنبه، ۲۰ دلو به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شده است و در آن کوریای شمالی متهم به نقض صریح تحریم‌های سازمان ملل شده است.

خبرگزاری رویترز روز ۳۰ قوس در گزارشی به نقل از یک مقام امریکایی نوشته بود که ایران و کوریای شمالی همکاری خود در زمینه یک موشک دوربرد که نوع آن مشخص نیست را از سر گرفته‌اند، و این همکاری شامل انتقال قطعات حساس است.

به نقل از رادیو فردا، در گزارش کارشناسان سازمان ملل تاکید شده است که همکاری‌های ایران و کوریای شمالی در حالی دوباره آغاز شده است که کوریای شمالی اقدام به آزمایش کلاهک‌های اتمی جدید برای

مقام‌های دولت ایران اما می‌گویند برنامه موشکی ایران ماهیت دفاعی دارد و به هیچ وجه حاضر به مذاکره درباره آن نیستند.

شلیک گلوله و گاز اشک‌آور در چهارمین روز تظاهرات میانمار



اطلاعات روز: در حالی که تظاهرات میانمار در اعتراض به کودتای نظامیان در این کشور به چهارمین روز پیاپی خود رسیده، پولیس برای متفرق کردن تظاهرکنندگان از خودروهای آب‌پاش، شلیک گاز اشک‌آور و تیرهای پلاستیکی استفاده کرد.

به گفته شاهدان عینی، در نایپیداو، پایتخت کشور، شهری که از سوی نظامیان در دل جنگل ساخته شده، پولیس روز سه‌شنبه ۲۱ ماه دلو به سوی معترضان گلوله‌های پلاستیکی شلیک کرد.

به نقل از ایران اینترنشنال، کمی پیش از آن، پولیس علیه گروهی از تظاهرکنندگان که حاضر به پراکنده شدن از مقابل صف نیروهای امنیتی نبودند، از خودروهای آب‌پاش استفاده کردند.

در شهر ماندالی در مرکز میانمار و دومین شهر بزرگ کشور پس از یانگون، پولیس علیه معترضانی که پرچم فرمز رنگ «اتحادیه ملی برای دموکراسی» حزب آنگ سان سوچی را به اهتزاز درآورده بودند، گاز اشک‌آور به کار برد.

حکومت میانمار مقررات منع آمدوشد برقرار کرده و تجمع بیش از چهار نفر در یانگون، نایپیداو و دیگر شهرهای کشور ممنوع است.

حاکمیت قانون» هستند، اقدام شود. اما تظاهرکنندگان بدون توجه به این تهدید، روز سه‌شنبه بار دیگر به خیابان‌ها آمدند.

تظاهرکنندگان به کودتای هفته گذشته نظامیان که به دوره‌ای ده ساله از دموکراسی در میانمار پایان داد و همچنین محبوس شدن مقام‌های دولتی و بازداشت خانگی آنگ سان سوچی رهبر حزب حاکم معترضند.

در یانگون، جمعی از معترضان مقابل مقر حزب اتحادیه ملی برای دموکراسی جمع شدند. «دیکتاتور نه» و «ما رهبرمان را می‌خواهیم» از جمله شعارهای معترضان بود.

در محله دیگری از شهر یانگون، جمعی از معلمان راهپیمایی کردند و سه انگشت خود را به نشانه پیروزی نشان می‌دادند.

خبرگزاری رویترز به نقل از شاهدان عینی گزارش داد که در یانگون، پولیس برای متفرق کردن معترضان شلیک هوایی کرده است.

طی نه روز گذشته، بیش از ۱۵۰ نفر از مقام‌ها، از نمایندگان و مسئولان تا فعالان و معترضان بازداشت شدند. تام ویلارین، از گروه نمایندگان آسه‌آن برای حقوق بشر نسبت به سرکوب معترضان از سوی ارتش هشدار داد.

داده است. فرمانده ارتش میانمار شامگاه دوشنبه برای اولین بار در سخنانی وعده داد «انتخابات آزاد و عادلانه» در پایان دوره یک ساله وضعیت اضطراری برگزار می‌شود و از یک حکومت نظامی «متفاوت» با حکومت نظامی‌ها در گذشته سخن گفت.

میانمار بیشتر سال‌های پس از استقلال خود در سال ۱۹۴۸ را زیر سلطه ارتش گذرانده است.

در انتخابات اخیر پارلمانی میانمار حزب آنگ سان سوچی به پیروزی رسید، اما ارتش به نتایج آن معترض بود و در نهایت علیه حزب حاکم کودتا کرد.

همچنین ارتش در روزهای اخیر دسترسی به اینترنت را برای مدتی شدیداً مختل کرد.

اعتراضات اخیر در میانمار، بزرگ‌ترین اعتراض در این کشور از سال ۲۰۰۷ بدین سو توصیف شده است.

اعتراضات اخیر بر تدابیر بهداشتی برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا تأثیر گذاشته و میزان غربالگری‌ها در این زمینه کاهش یافته است.

میانمار که ۵۳ میلیون نفر جمعیت دارد، یکی از بیشترین آمارهای ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از کرونا در منطقه را دارد.

مداخله پولیس در حالی است که پیشتر تلویزیون دولتی میانمار تهدید کرده بود باید علیه کسانی که «موجب اخلال، جلوگیری و نابودی امنیت ملی و عمومی و

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
- سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
- سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
- گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
- مترجم: جلیل پژواک
- ویراستار: شیرمهریار
- صفحه‌آرا: رضا مظفری
- ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۱۹۵۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

خبر کوتاه

مسی،
پادشاه زمین و نیمکت

مهاجم بارسلونا که بهترین گلزن تاریخ لالیگا است، اکنون به عنوان دومین گلزن برتر این رقابت ها به عنوان بازیکن ذخیره هم به حساب می آید.

به نقل از بی ساکر، مدت هاست لیونل مسی بهترین گلزن تاریخ لالیگا محسوب می شود. پس از ستاره آرژانتینی دومین گلزن برتری که در حال حاضر در اسپانیا بازی می کند کریم بنزما است که ۱۷۹ گل به ثمر رسانده است. این در حالی است که تعداد گل های مهاجم بارسلونا به ۴۵۷ می رسد. حتی بازگشت فرضی کریستیانو رونالدو سایه ای روی این رکورد نخواهد انداخت چون ستاره پرتگالی تنها ۳۱۱ گل به ثمر رسانده است. شایستگی مسی بیش از این ها است چون او پادشاه گل در زمین و نیمکت است.

رونالد کومان در دیدار یکشنبه شب بارسلونا برابر رئال بتیس به ستاره تیمش استراحت داد اما زمانی که نیمه اول با نتیجه یک بر صفر به نفع بتیس پایان یافت مجبور شد از کاپیتان آرژانتینی برای جبران نتیجه بهره برد. مسی تنها دو دقیقه پس از حضور در میدان گلزنی کرد. او تعداد گل هایش را به عنوان یک بازیکن ذخیره با بارسلونا به ۲۷ رساند. لئو با رکورد اسکار دی پائولا برابر شد. اکنون یک گل با خولیو سالیناس فاصله دارد. مهاجم بازنشسته باسکی با ۲۸ گل به عنوان بازیکن ذخیره بهترین آمار را در لالیگا به نام خود ثبت کرده است.

فهرست پنج بازیکن برتر را والتر پاندینی با ۲۴ گل (در ۱۲۴ بازی) و مانولو سارایبا با ۲۲ گل (در ۱۴۴ بازی) تکمیل می کنند. مسی تنها یک گل با قرار گرفتن در صدر فاصله دارد اما در میانگین گل ها برتری آشکاری نسبت به سالیناس دارد. سالیناس در ۱۱۲ بازی ۲۸ گل به ثمر رساند اما مهاجم بارسلونا تنها به ۵۶ دیدار نیاز داشت. آمار این دو بازیکن ۰.۲۵ با ۰.۴۸ است. در حالی که ستاره آرژانتینی روزهای شیرینی را سپری می کند تنها برای بهترین گلزن لیگ شدن تلاش نمی کند بلکه هدفش این است در تمام بخش های گلزنی در اسپانیا حکمرانی کند.

آمار گویای همه چیز است
سیمئونه: هر حرکت سوارز بوی گل می دهد

شانس قهرمانی: «طبیعی است که در طول فصل و با تعداد فراوان بازی هایی که وجود دارد، نظرات متفاوتی درباره سرنوشت فصل ارائه شود. ما راه خودمان را می رویم، من در مواجهه با برخی اتفاقات منفی که برای مان رخ می دهد، ترجیح می دهم به نکات مثبت تیمم که تعدادشان هم بسیار زیاد است فکر کنم.»

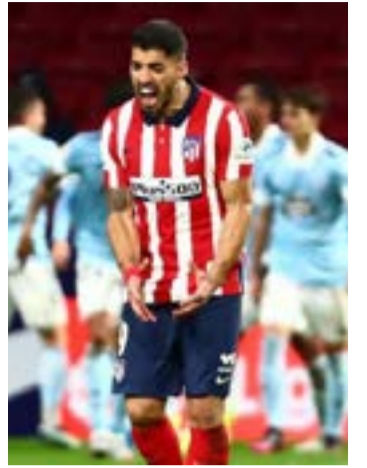
سوارز با ۱۶ گل در صدر جدول گلزنان: «آمار او همه چیز را درباره اش می گوید. تمام حرکات او بوی گل می دهد. سوارز همیشه اینگونه بوده است. ما از زمانی که او را جذب کردیم، سعی در ارتقای نقاط قوتش داشتیم و به همین دلیل او را به محوطه جریمه حریف نزدیک تر کردیم. باید امیدوار باشیم که روند پیشرفت تیم ادامه داشته باشد.»

استفاده از تک موقعیت ها برای گلزنی: «شروع مسابقه برای ما کمی سخت بود چون حریف نظم و سازمان دهی خوبی در بازی اش داشت. به همین دلیل من فکر نمی کنم که در نیمه اول هیچ یک از دو تیم موقعیت های گلزنی فراوانی نداشتند.

در نیمه دوم، عملکرد ما با تغییری که در سیستم بازی مان داشتیم بهتر شد و بلافاصله گل دوم را هم زدیم. اما حریف می خواست به هر قیمت ممکن امتیاز بگیرد و در پایان بازی هم به هدفش رسید. در مجموع فکر می کنم که تساوی نتیجه عادلانه ای برای این بازی بود. همانطور که شاید گل اول ما برخلاف جریان بازی رقم خورد و یک جوهرهایی حق مان نبود، گلی که آنها در انتهای بازی زدند هم اینگونه بود.»

دقیقه ۹۰ با نتیجه ۲-۱ از سلتا پیش بود که گل تساوی را دریافت کرد. این تساوی باعث شد دو امتیاز حساس از دست برود و اکنون فاصله با بارسا و رئال به هشت امتیاز رسیده است. اتلتیکو یک بازی عقب افتاده هم دارد که در صورت پیروزی می تواند اختلاف را به ۱۱ امتیاز افزایش دهد.

دیه گو سیمئونه سرمربی اتلتیکو پس از بازی با سلتا گفت: «هنوز هم یک کوه از نکات مثبت در تیمم می بینم. یکی از آنها فرصتی بود که در این بازی به بازیکنان نیمکت نشین رسید و آنها هم عملکرد خوبی داشتند. عملکرد لودی، کندوگبیا، توریرا و ... همه و همه نشان دهنده آن بود که این بازیکنان با وجود فرصت کمتر بازی، تلاش می کنند و تا جایی که بتوانند در خدمت تیم هستند. این ها برای آینده تیم نکات مهمی هستند.»



۱۶ گلی که لوئیس سوارز برای اتلتیکو زده، باعث شده تا این تیم قاطعانه صدرنشین لالیگا باشد. سیمئونه نمی تواند دست از تمجید ستاره اروگوئه ای بردارد.

اتلتیکو مادرید با دبل لوئیس سوارز تا

رومنیگه:

صلاح مثل مسی و رونالدو است

که موفقیت های زیادی را به دست آورد. ما اطمینان داشتیم که او موفق خواهد شد. ما در بایرن یک استراتژی روشن داریم و به دنبال رسیدن به اهداف بزرگ خود هستیم. در تیم ما ستاره های بزرگی مثل مولر و لواندوفسکی حضور دارند که می توانند در هر دیداری سرنوشت ساز باشند.

گفت: صلاح بدون شک بازیکن بزرگی است و هر باشگاهی دوست دارد که او را جذب کند اما باید تاکید کنم که بایرن به دنبال جذب این بازیکن نیست. رومنیگه درباره هانس فلیک گفت: فلیک بعد از آن که به عنوان سرمربی بایرن انتخاب شد توانست

اروپایی را به خود جلب کرده است. کارل هاینس رومنیگه، رییس باشگاه بایرن مونیخ درباره صلاح گفت: صلاح از بهترین بازیکنان جهان است و عملکردی خیره کننده در لیورپول داشته است. من او را ستاره ای مثل مسی و رونالدو می دانم. او درباره جذب این بازیکن مصری

رییس باشگاه بایرن مونیخ به ستایش از محمد صلاح پرداخت و او را با مسی و رونالدو مقایسه کرد با این حال تاکید کرد که بایرن به دنبال جذب این بازیکن نیست.

به نقل از اسپورت، محمد صلاح از بهترین بازیکنان حال حاضر فوتبال جهان است که توجه تیم های بزرگ

امپایه یا ارلینگ هالند؛
انتقال قطعی یک فوق ستاره به رئال در تابستان

فشار شدیدی برای تمدید قرارداد است، احتمالاً قراردادش را چند سال دیگر تمدید می کند؛ هرچند که احتمال گنجاندن بند انتقال به رئال در این قرارداد نیز بالاست.

پیوست. گزینه اول رئال برای تقویت خط حمله کیلیان امپایه است ولی انتقال او از پی اس جی تنها در صورتی میسر خواهد بود که لیونل مسی از بارسا راهی پاریس شود. در این صورت پی اس جی حاضر به مذاکره برای فروش امپایه می شود. اگر مسی به پی اس جی نرود، رئال به سراغ ارلینگ هالند خواهد رفت که گزینه ای ارزان تر و در دسترس تر محسوب می شود.

پی اس جی برای امپایه ۱۵۰ میلیون یورو می خواهد و رئال در تابستان تحت هیچ شرایطی توان پرداخت این مبلغ را ندارد. رئال از ستاره فرانسوی خواهد خواست که یک سال دیگر صبر کند اما امپایه که تحت

رئال مادرید تابستان پیش رو قطعاً یک بازیکن بزرگ را به خدمت خواهد گرفت. منابع نزدیک به مدیریت رئال از این بابت ابراز اطمینان کرده اند.

رئال مادرید یک فصل پرفراز و نشیب را پشت سر می گذارد. فصلی عجیب که با مصدومیت های بی پایان ستاره های این تیم همراه است.

سران باشگاه که می دانند فصل جاری به موفقیت خاصی دست پیدا نخواهند کرد، برای فصل بعد برنامه های ویژه دارند.

طبق ادعای ال چیرینگیتو که به نقل از منابع مطمئن و نزدیک به مدیریت باشگاه رئال مطرح شده، از بین کیلیان امپایه و ارلینگ هالند، یکی تابستان به رئال خواهد



دکتر هنی، اوبولگولو و مالدار وزارت زراعت، آبیاری و مالدار

د افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان

معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G130/1400

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالدار از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه تدارک ۹ قلم خوراکی حیوانی مورد ضرورت امریت فارم مالدار بینی حصار ریاست خدمات مالدار تحت داوطلبی باز داخلی به اساس شماره تشخیصیه نمبر (MAIL/PD/NCB/G130/1400) اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرز العمل تدارکات عامه الی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر روزیکشنبه مورخ ۱۷/۱۲/۱۳۹۹ ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیته قابل پذیرش نمی باشد. تضمین آفر مبلغ (۲۵۰,۰۰۰) دوصدوپنجاه هزار افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.

آدرس مکان جلسه: اتاق جلسات آفرگشایی منزل دوم، تعمیر حفظ و مراقبت، عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالدار. داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وب سایت اداره تدارکات ملی www.npa.gov.af داونلود نمایند، در صورت عدم داونلود از وب سایت، میتوانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک بشکل سافت و مجانی از امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی واداری منزل اول وزارت زراعت، آبیاری و مالدار بدست آورند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

Annual

120\$ USD

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



در بحث با آدم غیرمنطقی، به دنبال «پیروزی در بحث» نباشید

هرگز سعی نکنید ذهن دوست کله‌شقتان را تغییر دهید. در عوض به او کمک کنید انگیزه‌ی درونی خودش برای تغییر را پیدا کند.



آدام گرانت،
نویس‌پورک تایمز
مترجم: جلیل پژواک

روان‌شناسان دریافته‌اند که وقتی ما به دقت گوش می‌دهیم و به تفاوت‌های ظریف در تفکر افراد توجه می‌کنیم، آن‌ها کم‌تر افراطی می‌شوند و ذهن و دیدگاه‌هاشان را بازتر می‌کنند. من کنج‌کاو بودم بدانم که دوگانه‌نگری دوستم در مورد کووید ۱۹ چگونه است و می‌دانستم که این نوع پرسش‌هایی که می‌پرسم مهم هستند.

چند سال پیش من اشتباه بحث کردن با کله‌شقتان شخصی را که در زندگی‌ام می‌شناسم مرتکب شدم. رایان (نام مستعار) دوست دیرینه‌ام است و وقتی با خانواده‌اش مهمان ما بودند، گفت که فرزندانش هرگز واکسینه نشده‌اند و... هرگز هم نخواهند شد. من شخصاً طرفدار تزریق کوروناهای هر واکسینی به هر نوزادی نیستم، اما نگران سلامتی فرزندان دوستم بودم. از سر همین نگرانی، تلاش کردم غلط‌بودن افسانه‌های رایج درباره واکسن را ثابت کنم. جروبحث من و رایان چند روز به طول انجامید. من خسته و اوقات تلخ شده بودم، اما مصمم بودم جروبحث‌مان به دوستی‌ام با رایان لطمه‌ای وارد نکند. به همین دلیل با خودم عهد بستم که دیگر هرگز در مورد واکسن با رایان صحبت نکنم.

به این ترتیب سال‌ها گذشت و سال ۲۰۲۰ آمد. سال ۲۰۲۰ در قرنطینه و تلاش برای متوقف کردن همه‌گیری کووید ۱۹ گذشت و اکنون در ۲۰۲۱ ترس از واکسن ممکن است بزرگ‌ترین مانع تلاش‌ها برای متوقف کردن کرونا باشد. ترس از واکسن به جامعه‌ی به اصطلاح «مخالفان واکسیناسیون» محدود نمی‌شود. در واقع حدود نیمی از آمریکایی‌ها در مورد ایمنی واکسن کووید ۱۹ تردید دارند و ۳۹ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند که به‌طور قطع یا احتمالاً از واکسینه‌شدن خودداری خواهند کرد.

تصمیم گرفتم ببینم که آیا این‌بار می‌توانم ذهن رایان را باز کنم یا خیر. چیزی که من انتظار نداشتم این بود که در طول این فرایند ذهن خود من نیز باز خواهد شد.

من به‌عنوان روان‌شناس سازمانی چند سال گذشته را صرف مطالعه درباره چگونگی انگیزش افراد برای بازاندیشی افکار و عقایدشان کرده‌ام. من آزمایش‌هایی را در این زمینه انجام داده‌ام که باعث شده است

طرفداران حمل اسلحه و طرفداران ممنوعیت حمل اسلحه از خصومت متقابل‌شان دست بردارند. آزمایش‌های من در مواردی حتا کینه‌ی متقابل طرفداران «نیویورک یانکیز» و طرفداران «بوستون رد ساکس» را برطرف کرده است. اما راست است که معلم‌ها همیشه خودشان به آنچه می‌آموزاند عمل نمی‌کنند. وقتی کسی به‌نظم ذهن‌بسته می‌رسد، غریزه‌ی من باعث می‌شود که در قطب مخالف موضع فرد موردنظر موضع بگیرم. اما هنگامی که تصمیم به حمله می‌گیرم، حریفانم یا خاموش می‌شوند یا بیشتر مقاومت می‌کنند. آن‌ها در بیش از یک مورد مرا «فلدر منطقی» خوانده‌اند.

وقتی می‌خواهیم ذهن شخصی را به روی مسأله‌ای باز کنیم، اولین انگیزه‌ی ما این است که درباره این‌که چرا حق با ماست، موعظه کنیم و جانب مقابل‌مان را به دلیل اشتباه بودنش، ملامت کنیم. با این‌حال، آزمایش‌ها نشان می‌دهد که موعظه و سرزنش معمولاً نتیجه معکوس می‌دهد و نیز سخنی که افراد را تحت تأثیر قرار ندهد ممکن است باورهای [غلط] آن‌ها را تقویت کند. همان‌طور که واکسن سیستم ایمنی بدن را در برابر ویروس مصنوعی می‌سازد، عمل مقاومت در برابر استدلال مخالف باعث تقویت سیستم ایمنی روان‌شناختی فرد می‌شود. رد یک دیدگاه باعث شکل‌گیری آنتی‌بادی‌هایی علیه تلاش‌های آینده برای تأثیرگذاری می‌شود و افراد را نسبت به عقایدشان مطمئن‌تر و برای رد دیدگاه‌های دیگر آماده‌تر می‌سازد.

این همان اتفاقی است که در مورد من و دوستم رایان افتاد. اگر من می‌خواستم او درباره مقاومت پوچش در برابر واکسن تجدیدنظر کند، نخست من باید درباره رویکردم برای تغییر دادن ذهن وی تجدیدنظر می‌کردم.

چندین دهه پیش روان‌شناسان هنگام درمان مشکل سوءمصرف مواد مخدر، تکنیکی را به‌نام مصاحبه انگیزشی توسعه دادند. اصل اساسی این تکنیک این است که بهتر است به‌جای این‌که دیگران را مجبور به تغییر می‌کنید، به آن‌ها کمک کنید انگیزه‌ی ذاتی و درونی خودشان را برای تغییر پیدا کنند. این کار از طریق مصاحبه با آن‌ها انجام می‌شود، از طریق پرسیدن پرسش‌های باز و گوش‌دادن با دقت به پاسخ‌های آنان، و از طریق مکالمه «گرفتن آینه جلوی چشم‌شان» تا بتوانند افکارشان را با وضوح بیشتری ببینند. اگر آن‌ها تمایلی به تغییر نشان دادند، آن وقت شما آن‌ها را به سمت یک برنامه برای تغییر راهنمایی می‌کنید.

مثلاً شما دانشجوی هاگوارتز هستید و می‌خواهید به کاکای خود کمک کنید دست رد به سینه‌ی ولد‌مورت بزند. مصاحبه انگیزشی شما ممکن است به این ترتیب پیش برود:

شما: دوست دارم احساسات شما را راجع به ... بهتر درک کنم.
کاکا: خوب او قدرت‌مندترین جادوگر زنده روی زمین است. همچنین پیروان او قول عنوانی شیک و پیک را به من داده‌اند.
شما: جالب. آیا چیزی درباره ... هست که تو ازش بدت بیاید؟

کاکا: هم. از این همه بکش بکش خوشم نمی‌آید.

شما: خب، می‌دانیم که هیچ کس کامل نیست. چه چیزی نمی‌گذارد او را ترک کنی؟

کاکا: می‌ترسم ماشین بکش بکشش را سمت من می‌کند.

شما: ترس‌تان منطقی است. من هم دچارش بودم. اما آیا اصولی وجود دارد که برایت خیلی مهم باشد که به خاطرش بخواهی این خطر را به جان بخری؟

در آزمایش‌های کنترل‌شده، مصاحبه انگیزشی به افراد کمک کرده است سیگار، الکل، مواد مخدر و قمار را ترک کنند، رژیم غذایی‌شان را بهبود بخشند، به ورزش رو آورند، بر اختلالات خورد و خوراک‌شان غلبه کنند و لاغر شوند. این رویکرد همچنین به دانشجویان کمک کرده است شب‌ها بهتر بخوابند، به رای‌دهندگان کمک کرده است درباره گرایش‌هاشان تجدیدنظر کنند و به زوج‌های مصمم به طلاق کمک کرده است مشکل‌شان را حل‌وفصل کنند.

اخیراً با شدت گرفتن زرمه‌های آآمد آمد واکسن کرونا این رویکرد برای واکسیناسیون نیز اعمال شده است. «آرنو گانگنور»، متخصص اطفال در «کیک» کانادا است که والدین دو دل را به واکسینه‌کردن فرزندان‌شان ترغیب می‌کند. او در آزمایش‌هایش دریافته که مصاحبه انگیزشی در زایشگاه با مادران در بدو تولد نوزاد، تعداد مادرانی را که مایل به واکسینه‌کردن فرزندان‌شان هستند از ۷۲ درصد به ۸۷ درصد افزایش داد و تعداد کودکانی که دو سال بعد تمام واکسن‌ها را دریافت کرده بودند ۹ درصد افزایش یافت. او دریافته که یک بار گفت‌وشنود کافی بود تا طی ۲۴ ماه بعد رفتار فرد موردنظر تغییر کند. من گفت‌وگویی را بین دکتر گانگنور و دوستم رایان ترتیب دادم. بعد از ۹۰ دقیقه برایم روشن بود که موضع رایان در خصوص واکسن تغییر نکرده است.

دکتر گانگنور در نامه‌ای به من نوشت: «سعی کرده‌ام همه‌ی اصول مصاحبه انگیزشی را پیاده کنم. اما به طرز ناخوشایندی احساس می‌کنم کارم به اندازه کافی خوب نبوده است. رایان آدم بسیار آگاه است و همیشه دلایلی می‌آورد که تصمیم وی را تأیید می‌کند.»

به طرز عجیبی، من احساس شکست و عصبانیت نمی‌کردم. می‌خواستم بفهمم که دیدگاه‌های دوست من چگونه امکان دارد تغییر یابد.

«ویلیام میلر» و «استیون رولنیک»، پیشگامان

مصاحبه انگیزشی مدت‌ها قبل، از استفاده از این تکنیک برای دست‌کاری ذهن افراد هشدار داده‌اند. درک انگیزه‌های واقعی افراد و کمک به آن‌ها برای رسیدن به اهداف‌شان نیاز به تمایل واقعی درمان‌گر برای انجام این کار دارد. هرچند رایان و من هر دو می‌خواهیم فرزندان‌شان سالم و سرحال باشند، اما من متوجه شدم که قبلاً هرگز سعی نکرده بودم دیدگاه وی درباره واکسن را واقعاً درک کنم. بنابراین صبح روز بعد از نامه دکتر گانگنور، با رایان تماس گرفتم.

در بحث‌های گذشته ما رایان فقط بر نکات منفی واکسن تمرکز داشت. اما در گفت‌وگوهایش با دکتر گانگنور، او اذعان کرده بود که واکسن‌ها می‌توانند برای برخی از افراد خوب باشند اما لزوماً برای برخی دیگر مفید نیستند. رایان در پاسخ به این‌که اگر در کشوری زندگی می‌کرد که اکنون شیوع مثلاً مالاریا را تجربه می‌کرد، آیا بازهم واکسینه‌شدن را رد می‌کرد، گفته بود: «آدم جوانب مثبت و منفی‌اش را می‌سنجد.»

روان‌شناسان دریافته‌اند که وقتی ما به دقت گوش می‌دهیم و به تفاوت‌های ظریف در تفکر افراد توجه می‌کنیم، آن‌ها کم‌تر افراطی می‌شوند و ذهن و دیدگاه‌هاشان را بازتر می‌کنند. من کنج‌کاو بودم بدانم که دوگانه‌نگری دوستم در مورد کووید ۱۹ چگونه است و می‌دانستم که این نوع پرسش‌هایی که می‌پرسم مهم هستند. دانشمندان علوم اجتماعی دریافته‌اند که پرسیدن از مردم درباره این‌که «چگونه» سیاست‌هایی را که ترجیح داده‌اند در عمل می‌تواند کارساز باشد، به جای این‌که از آن‌ها بپرسیم «چرا» این سیاست را ترجیح داده‌اند، در بازتر کردن ذهن این افراد مؤثرتر است. وقتی پرسش ما با «چگونه» به‌جای «چرا» آغاز می‌شود، مخاطب که دارد تلاش می‌کند قانون مالیاتی یا برنامه‌ی مراقبت‌های بهداشتی ایده‌آلش را توضیح دهد، پیچیدگی مسائل را درک می‌کند و در جریان توضیح دیدگاهش، به‌جای دانش خود پی می‌برد.

بنابراین در دور دوم تلاش‌م، من به جای این‌که از رایان بپرسم «چرا» با واکسن کووید ۱۹ مخالف است، از او پرسیدم که اگر او رییس جهان می‌بود «چگونه» همه‌گیری کنونی را متوقف می‌کرد. او گفت که در خصوص برخی افراد و در بسیاری از مسائل ما نمی‌توانیم همه‌ی تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد قرار دهیم و این‌که ما نیاز به تمرکز بیشتر و قوی‌تر بر پیش‌گیری و درمان داریم. وقتی از او پرسیدم که آیا واکسن را هم بخشی از استراتژی‌اش برای متوقف‌کردن همه‌گیری در نظر می‌گرفت یا خیر، جوابش مثبت بود.

مشتااق بودم بفهمم که چه چیزی ممکن است باعث شود رایان هم تصمیم بگیرد یکی از آن افراد باشد که نمی‌توان در خصوص‌شان همه‌ی تخم‌ها را در یک سبد قرار داد. در مصاحبه

انگیزشی، بین تغییر‌گویی و پادتغییر‌گویی تفاوتی وجود دارد. پادتغییر‌گویی گزاره‌ای برای بحث درباره حفظ وضعیت موجود است. تغییر‌گویی اما گزاره‌ای برای بحث درباره میل و توانایی یا تعهد به ایجاد تغییر است. یک مصاحبه‌گر انگیزشی ماهر تغییر‌گویی‌های افراد را می‌شنود و از آن‌ها می‌خواهد در مورد آن بیشتر توضیح دهند. این سومین گام من بود. من از رایان پرسیدم احتمال این‌که او بخواهد واکسن کووید ۱۹ بزند چقدر است. گفت که «به دلایل مختلف، احتمالش بسیار پایین است.» برایش گفتم که برای من جالب است که او نتگت احتمالش صفر است. رایان گفت: «این یک مسأله سیاه و سفید نیست. نمی‌دانم، زیرا دیدگاه‌های من تغییر می‌کند.» من خندیدم و گفتم: «این یک نقطه عطف است؛ لجاز‌ترین شخصی که می‌شناسم اعتراف می‌کند که مایل است نظرش را تغییر دهد؟!» او هم خندید و گفت: «نه، من هنوز لجاز‌ترین شخصی هستم که می‌شناسم! اما در مراحل مختلف زندگی‌مان، ما چیزهای مختلفی داریم که برای مان مهم هستند، درست؟»

من انتظار ندارم که رایان یا فرزندانش به این زودی‌ها واکسینه شوند، اما این‌که او موافق بود که دیدگاه‌هایش می‌تواند تغییر کند، برایم یک پیشرفت به‌شمار آمد. پیشرفت واقعی اما در من اتفاق افتاد. من به نوع جدیدی از گفت‌وگو که در آن قرار نیست امتیازی بگیرم یا در بحثی پیروز شوم، آشنا شدم. تنها پیروزی‌ای که من فکر می‌کنم به دست آوردم، پیروزی علیه گرایش‌های خودکارم برای سرزنش کردن طرف بحثم بود. من در واقع بر قلدری منطقی درونی خودم غلبه کرده بودم.

بسیاری مردم وقتی بحث متوقف‌کردن یک همه‌گیری پیش می‌آید، معتقدند که هدف هر وسیله‌ای را که لازم باشد توجیه می‌کند. لازم است به خاطر داشته باشیم که وسیله‌ها سنجی‌ی شخصیت ما است. اگر ما در بازکردن ذهن دیگری موفق شویم، سوال فقط این نیست که آیا ما به آنچه به دست آورده‌ایم افتخار کنیم یا خیر. بلکه این است که آیا چگونگی دست‌یابی مان به آن قابل افتخار است یا خیر؟

من دیگر معتقد نیستم که در جایگاهی قرار دارم که نظر کسی را تغییر دهم. تنها کاری که می‌توانم انجام دهم این است که سعی کنم اندیشه‌ی آن‌ها را واقعاً درک کنم و از آن‌ها بپرسم که آیا آماده‌اند در مورد برخی از آن‌ها تجدیدنظر کنند یا خیر. بقیه کار به عهده‌ی خودشان است.

آدام گرانت روان‌شناس سازمانی دانشکده وارتون دانشگاه پنسیلوانیا و نویسنده کتاب «دوباره فکر کن: قدرت دانستن چیزی که نمی‌دانید» است که بخش‌هایی از این مقاله از آن اقتباس شده است. پژوهش‌های گرانت بر انگیزه، سخاوت و خلاقیت در انسان‌ها متمرکز است.

اندام متناسب و عضلاتی در دو ماه

برای معلومات بیشتر:

+93 (0) 798 111 555 | +93 (0) 229 555 111

کاره رهوار
مقابل مسجد شورشاه سورج
کابل افغانستان

قلعه فتح الله
سورک عمومی قلعه فتح الله، بین سورک ۲ و ۳
معارف پلوار، کابل، افغانستان

F45 Training Kabul | www.f45.af/info